

هویت جنسی جوانان در رمان‌های عامه‌پسند اینترنتی؛ مطالعه رمان‌های برگزیده سایت «نودهشتیا»

محمد رضا پویافار^۱، مریم محمدی اکمل^۲

چکیده

رمان‌های عامه‌پسند اینترنتی یکی از نمودهای تولید محتوا در فضای مجازی است که الگوی در حال تحول استفاده از اینترنت در ایران را از مصرف یک‌سویه محتوای سایت‌ها و رسانه‌های اجتماعی به سوی تولید محتواهای گوناگون، نشان می‌دهد. آنچه در این پژوهش انجام شده، بررسی رمان‌های عامه‌پسند پربازدیدترین سایت‌ها در میان سایت‌های منتشرکننده رمان‌های عامه‌پسند اینترنتی، یعنی سایت نودهشتیا است. پرسش اصلی پژوهش چگونگی بازنمایی هویت جنسی جوانان در رمان‌های تولیدشده توسط کاربران در این پایگاه اینترنتی است. ۲۴ رمان از میان محبوب‌ترین رمان‌های این سایت، با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده و مورد تحلیل محتوای کیفی قرار گرفتند. یافته‌های پژوهش نشان داد که آنچه نویسندگان جوان این رمان‌ها منتشر کرده‌اند، کمابیش بازنمایی کننده تقید اندک جوانان به حدود و چارچوب‌های جامعه سنتی در ابراز هویت جنسی در ظاهر و پوشش، ارزش‌ها و نگرش‌های جنسی و رفتارهای بین جنسی است. این تقید اندک، با کمی اختلاف بین طبقات پایین و بالای جامعه، کمابیش قابل تشخیص است. جوانان نسل جدید در رمان‌های مورد بررسی، جوانانی با نگرش‌ها، الگوی ابراز هویت و رفتارهای بین جنسی هستند که ارزش‌های نسل پیش از خود را در عمل به چالش می‌کشند. در عین حال، محتوای رمان‌های عامه‌پسند سایت نودهشتیا نشان دهنده تصویری غالب از سبک زندگی طبقه بالای جامعه است.

واژه‌های کلیدی

هویت جنسی، جوانان، رمان‌های عامه‌پسند، جنسیت، سایت نودهشتیا

mrpouyafar@gmail.com
m_mohamadi35@yahoo.com
3. www.98ia.ir

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۰/۲۸ تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۲/۲۲
۱. استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه علوم انتظامی امین (نویسنده مسئول)
۲. دانش‌آموخته کارشناسی دانشگاه آیت‌الله بروجردی

مقدمه

آنچه معمولاً در بررسی جامعه‌شناختی رسانه‌ی مدرنی همچون اینترنت بحث می‌شود، محتوا و الگوی مصرف اینترنت از سوی کاربران، عوامل اجتماعی مؤثر بر یا متأثر از آن است. در این میان، تمرکز بر مطالعه‌ی محتواهای «تولید شده» از سوی کاربران عمومی کمتر مورد توجه است. وبلاگ‌های شخصی و تولید زیرنویس‌های فیلم و سریال‌ها از سوی کاربران و اخیراً کانال‌های تلگرامی شخصی نمونه‌هایی از این تولیدات محتوایی است که می‌توانند مورد مطالعه قرار گیرند. البته پژوهش‌هایی با بررسی محتوای وبلاگ‌ها انجام شده است (مانند نجاتی حسینی، ۱۳۹۱؛ کلاهی، نثاری و بزرگیان، ۱۳۸۸). اما این گروه از مطالعات هم که البته تعداد آنها محدود است، بیشتر روی وبلاگ‌نویسی متمرکز شده‌اند. این در حالی است که این روزها با گسترش استفاده از نرم‌افزارهای پیام‌رسان و شبکه‌های اجتماعی تنوع و تعدد محتواهای تولید شده‌ی کاربران عمومی در اینترنت افزایش یافته است. این فرایند تا جایی گسترش یافته که امروزه مفهوم «محتوای کاربرساخته»^۱ مفهومی بسیار پر استفاده در میان پژوهشگران مهندسی رسانه و فناوری اطلاعات، بازاریابی مبتنی بر فناوری اینترنتی و پژوهشگران مسایل اجتماعی مربوط به آن تبدیل شده است. این مفهوم به هر نوع شکلی از محتوا مربوط می‌شود که کاربران در فضای مجازی مبتنی بر وب تولید می‌کنند؛ محتواهایی اعم از فیلم، وبلاگ، بحث‌های مختلف و یادداشت‌ها، عکس‌های دیجیتالی، فایل صوتی و هر نوع فایل دیگری در فضای رسانه که از سوی مصرف‌کنندگان یا کاربران نهایی سامانه‌های برخط^۲ تولید و منتشر می‌شوند. این مفهوم همچنین با عنوان «رسانه‌ی مصرف‌کننده ساخته» هم نامیده می‌شود^۳ (دانشنامه برخط فناوری اطلاعات، وب‌پدیا).

بنابراین، به این علت که کاربری اینترنت علاوه بر امکان مصرف و دریافت داده‌ها و محتواها، مجال اشتراک‌گذاری محتوا را هم فراهم می‌آورد، توجه به این بخش از مصرف اینترنت هم، به نوبه‌ی خود برای پژوهش علمی حایز اهمیت ویژه است. در میان انواع محتواهای کاربرساخته^۴، تولیدات ادبی و هنری بخشی مهم و رو به فزونی را به خود اختصاص داده است. ویدئو موزیک‌ها و قطعات صوتی موسیقی، فیلم‌ها و سریال‌ها^۵، تصویر تابلوهای نقاشی، شعر و داستان، از جمله

1. User-Generated Content (UGC)
2. Online system
3. Consumer Generated Media (CGM)
4. User-Generated Content (UGC)

۵. در مورد فیلم‌ها و سریال‌ها باید به این نکته اشاره کرد که به جز فیلم‌ها و سریال‌هایی که با بدون رعایت قانون مالکیت معنوی (کپی رایت) در سایت‌های مختلف قابل دانلود است، بسیاری از تولیدکنندگان فیلم‌ها به‌ویژه فیلم‌های کوتاه، مستند یا تجربی به دلایل گوناگون از جمله عدم مجوز نهادهای رسمی برای اکران آثارشان، آنها را در اینترنت به معرض دید مخاطب می‌گذارند. همچنین است نویسندگان کتاب‌هایی که برخی آثار خود را فقط در فضای مجازی منتشر می‌کنند.

این محتواهاست. همان‌طور که برخی از قطعات موسیقی و موزیک ویدئوها از سوی کاربران گاه غیر حرفه‌ای و گاه مبتدی تولید و منتشر می‌شوند، برخی از آثار ادبی نیز از سوی کاربران «غیرادبی» تولید و منتشر می‌شوند. نویسندگان این دست از آثار ادبی گاه حتی در شعر و داستان‌های خود قواعد نگارشی و شکل صحیح کلمات و افعال را هم رعایت نمی‌کنند و در بسیاری از موارد، به همان صورت محاوره می‌نویسند. در عین حال، بخش مهمی از این آثار هم کاملاً در قوارهٔ یک اثر ادبی به معنای کامل آن ارائه می‌شود. در این بین، داستان‌های کوتاه و رمان‌های اینترنتی در کنار سایر انواع ادبی همچون شعر بخش مهمی از فضاهای اینترنتی را به خود اختصاص می‌دهند. این آثار و محتواهای تولیدشده می‌توانند به نوبهٔ خود باز نمودی از زیست فرهنگی انسان‌ها در جامعهٔ مدرن یا در حال گذار امروزی باشند. به‌ویژه وقتی تولیدکنندگان این آثار با استفاده از فرصت انتشار آثار خود در فضای اینترنت، به‌طور غیرمستقیم به ارائهٔ خود در جامعهٔ مجازی جدید می‌پردازند، مجال را نیز برای پژوهش در باب واکاوی ابعاد پنهان فرهنگی - به‌ویژه در جامعه‌ای همچون ایران با لایه‌های ناشناختهٔ ارزشی و نگرش در جامعه - فراهم می‌آورد. مسأله‌مندی این نوع سوژه‌های فرهنگی برای مطالعه جامعه‌شناختی یا مطالعات فرهنگی، به‌ویژه از آن‌روست که آثار یادشده از بسیاری از جهات، باز نمود تجربه زندگی نسل جدیدی از ایرانیان جوان است که هنوز لایه‌های بسیاری از زندگی آنان - حتی به مدد پیمایش‌های متعدد ملی و منطقه‌ای - ناپیدا مانده است. در واقع نویسنده‌های بسیاری از آثار یادشده، خود از نسل دهه ۷۰ خورشیدی هستند و گروه جوانان به‌ویژه نسل‌های دهه‌های ۷۰ و ۸۰ به دلیل تحولات ارزشی و نگرشی به وجود آمده در آنها برای شناسایی روند تغییرات فرهنگی در ایران حایز اهمیت‌اند. از همین رو و با توجه به اینکه تجربه نوشتن این نسل، تجربهٔ باز نمود ارزش‌ها، نگرش‌ها و همچنین باز نمود تجربهٔ زندگی هم‌نسلان خود است، مطالعه علمی آثار ادبی تولید و منتشر شده از آنها در فضای وب، به‌خوبی می‌تواند زوایایی از این تجربه زندگی، ارزش‌ها و نگرش‌ها را نشان دهد.

در این میان، بخش مهمی از نمودهای تجربهٔ زندگی، ارزش‌ها و نگرش‌های نسل یادشده، شامل الگوی ابراز هویت آنان است. جوانان امروز دهه‌های ۷۰ و ۸۰ جنسیت خود را هر روز در کلاس‌های درس مدرسه و دانشگاه خود، در مسیر عبور خود در شهر، در تجربه‌های خرید و در فضاهای مجازی که در آن حضور دارند (اعم از شبکه‌های اجتماعی مجازی، پیام‌رسان‌ها و سایت‌های اینترنتی) نشان می‌دهند، در باز خورد رفتار دیگران باز می‌شناسند و در تفسیر مداومی که از خود جنسی خود دارند، بازمی‌آفرینند. آنها همچنین بخشی از آنچه در مورد هویت خود و

همنوعان خود در این تجربه زندگی روزمره می‌شناسند را در قالب محتوای ادبی و هنری منتشر می‌کنند. از این نظر رمان‌های عامه‌پسند اینترنتی، مجال بازآفرینی و ابراز هویتی است که نسل امروز از خود و از هم نوعانش می‌شناسد و می‌تواند در معرض ارزیابی دیگران قرار دهد. تصویر ارائه شده از این الگوی هویتی، به نوبه خود منبعی مهم برای واکاوی ابعاد هویت در جوانان نسل حاضر است. بر همین اساس بوده که پژوهش حاضر موضوع مورد مطالعه خود را در بررسی الگوی هویت جنسی جوانان، بر رمان‌های عامه‌پسند اینترنتی متمرکز کرده است.

سایت نودهشتیا یکی از پربازدیدترین سایت‌های ایرانی در حوزه ادبیات است که اهتمام ویژه خود را به انتشار آثار کاربران خود اختصاص می‌دهد؛ کاربرانی عموماً جوان که داستان‌ها و رمان‌های عامه‌پسندی را به‌طور مداوم از طریق این سایت منتشر می‌کنند. این کاربران گاه در مدت کوتاه چند هفته یک رمان عامه‌پسند ۳۰۰ صفحه‌ای را منتشر می‌کنند. علاوه‌براین، نویسندگان رمان‌ها به‌عنوان کاربران این سایت این امکان را دارند که رمان‌های در حال نگارش خود را هم به مرور و اندک اندک در اختیار مخاطبان خود قرار دهند تا کامل شود. اساساً ماهیت و امکانات فضای مجازی این امکان را به نویسنده‌ها می‌دهد که آثار خود را در قالب چند فصل یا چند بخش به مخاطب عرضه کنند و شاید حتی با دیدن بازخوردهای مخاطبان مسیر داستان را هم اصلاح کنند. بخشی از این آثار به تازگی با گسترش استفاده از شبکه‌های اجتماعی، در صفحات این شبکه‌ها نیز منتشر می‌شود. به این علت که «نودهشتیا» یکی از پر مخاطب‌ترین سایت‌های معرفی و انتشار رمان‌های عامه‌پسند از سوی کاربران ایرانی است، این پژوهش با نگاهی متفاوت در مطالعه علمی مصرف/ استفاده از اینترنت از سوی کاربران ایرانی، تلاش دارد تا با تحلیل محتوای کیفی رمان‌های عامه‌پسند در این سایت، به بررسی بازنمود هویت جنسی در این داستان‌ها بپردازد. قهرمانان رمان‌های این سایت عمدتاً جوانان هستند و آنچه در اینجا مورد مطالعه است نیز اختصاصاً متمرکز بر هویت جنسی جوانان این رمان‌هاست. هدف از تحلیل محتوای کیفی این رمان‌ها، رسیدن به ویژگی‌های ابراز هویت زنانه و مردانه، ارائه شده در این رمان‌ها است. این تصویر ذهنی به‌طور غیرمستقیم، برداشت و نگرش نویسندگان این رمان‌ها را نیز که نماینده گروه مهمی از جوانان امروز (متولدان دهه ۷۰ خورشیدی) هستند، در مورد هویت جنسی نشان می‌دهد.

پیشینه پژوهش

حسینی و دشتی (۱۳۹۱) در پژوهش خود به «بررسی کلیشه‌های جنسی در داستان‌های جلال آل احمد» پرداخته‌اند. به این منظور، تمامی داستان‌های جلال آل احمد به روش تحلیل محتوا مورد بررسی قرار گرفته‌اند تا تصورات و پیش‌فرض‌های (کلیشه‌های) جنسی مردانه و زنانه را در این داستان‌ها مورد شناسایی قرار دهند. یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده عادت‌های رفتاری پرحرفی، خرافاتی، هیجانی، انفعال، مهربان و دلسوز، کنجکاوی، مضطرب و خیال‌باف به‌عنوان کلیشه‌های زنانه و پرخاشگری، عصبانیت و سلطه‌گر بودن به‌عنوان کلیشه‌های مردانه (همگی کلیشه‌ها به ترتیب فراوانی در آثار مورد بررسی) است. در عین حال، کلیشه‌های زنانه از نظر تعداد بیشتر از کلیشه‌های مردانه بوده‌اند.

فروتن (۲۰۱۲) در پژوهش خود به «بررسی رابطه بین زبان و جنسیت» در چارچوب تحلیل جامعه‌شناختی پرداخته است. او در این مطالعه با استفاده از تحلیل محتوای کیفی به بررسی محتوایی ۳۵ کتاب درسی در مدارس ایران، شامل کتاب‌های آموزش و دستور زبان فارسی، عربی و انگلیسی پرداخته است. نتایج پژوهش او نشان داد که هرچند غلبه و سلطه جنس مرد همچنان در میان کتاب‌های مورد بررسی وجود داشته، اما شدت این غلبه با توجه به سطوح آموزش این زبان‌های یادشده متفاوت بوده است. برای نمونه بیشترین شدت این غلبه جنسیتی مردانه در کتاب‌های فارسی و کمترین شکاف در این مورد در کتاب‌های انگلیسی مشاهده شده است. یافته‌های او همچنین نشان داده که رابطه بین جنسیت و زبان به شکل معناداری تحت تأثیر ساختار اجتماعی و ایدئولوژیک قرار دارد.

مقصودی (۱۳۸۳) در پژوهشی دیگر به «بررسی بازنمایی نقش زن در داستان‌های کودکان» پرداخته است. چون الگوهای ارائه شده شخصیتی در رفتاری در کتاب‌های کودکان نقش مهمی در جامعه‌پذیری آنها دارد، نویسنده تلاش کرده تا به این پرسش پاسخ گوید که آیا تصویر ارائه شده از زنان در کتاب‌های داستانی کودکان مطابق با تغییرات نوین در نقش‌های زنان در جامعه فعلی و حضور فعال آنها در عرصه اجتماعی است یا خیر؟ یافته‌های پژوهش نشان داد که زنان در کتاب‌های داستان کودکان اغلب دارای نقش‌هایی همچون مادری، کدبانوگری، معلمی و پرستاری هستند. ویژگی‌های اخلاقی زنان نیز متناسب با نقش‌های یادشده این گونه بیان شده است: نازک دل و سست رأی، ناقص عقل، دلبر و زیبا، بی‌وفا و خائن، منفعل در تصمیم‌گیری، بدون ابتکار و نوآوری، موجودی جهت‌ارضای جنسی مردان، فردی خرافه‌پرست و عقب افتاده.

بررسی موضوع بازنمایی جنسیت در رسانه و محصولات فرهنگی در غرب تنوع و قدمت بیشتری دارد. برای نمونه، الیزابت گراور هولز و برنیس پسکوسولیدو^۱ (۱۹۸۹) در پژوهش خود روی کتاب‌های ادبیات کودک که روی آثار منتشر شده بین سال‌های ۱۹۰۰ تا ۱۹۸۴ انجام شده، «حضور مفاهیم مردانه و زنانه در عکس‌های کتاب‌های کودک و نوجوان» بررسی کرده‌اند. آنها در بررسی خود یک تحلیل سری زمانی را در مورد آثار ادبیات کودک در قرن ۲۰ در امریکا انجام دادند. نتایج پژوهش نشان داد که در ابتدا و انتهای این دوره زمانی، تعداد بیشتری از بازنمایی‌های مربوط به زنان در عناوین و نقش‌های اصلی کتاب‌های کودک قابل مشاهده بود. در عین حال، وقتی داستان‌هایی که تنها شامل شخصیت‌های بزرگسال یا شخصیت‌های حیوانی بودند، در تمام دوران مورد بررسی، یک غلبه کامل از مفاهیم مردانه به چشم می‌خورد.

علاوه بر مطالعات بازنمایی در حوزه ادبیات، مطالعات اخیر در حوزه بازنمایی جنسیت، بر سوژه‌های نوین از جمله شبکه‌های اجتماعی بر بستر اینترنت متمرکز شده‌اند. برای مثال، بامن، ایسنستن و شنوبلن (۲۰۱۴) به بررسی رابطه بین جنسیت، سبک‌های زبانی و شبکه‌های اجتماعی با تحلیل توییت‌های ۱۴۰۰۰ کاربر تویتر پرداخته‌اند. آنها با دسته‌بندی کاربران مورد بررسی، به یک گونه‌شناسی از سبک‌ها و علایق عمده بین کاربران مورد بررسی پرداخته‌اند. دسته‌ای دیگر از پژوهش‌ها نیز به بررسی بازنمایی در رسانه‌های مدرن تمرکز داشته‌اند که به دلیل کوتاهی مجال، امکان پرداختن مفصل به آنها نیست. پژوهش معینی فر (۱۳۸۸) در بررسی کلیشه‌های جنسیتی مردانه و زنانه در صفحه حوادث روزنامه همشهری، مطالعه سلطانی گرد فرامرزی (۱۳۸۵) در بررسی نمایش جنسیت در سینمای ایران با استفاده از الگوی تحلیل بصری گافمن و با استفاده از روش تحلیل محتوای کمی، کار صادقی فسایی و کریمی (۱۳۸۴) در مطالعه کلیشه‌های جنسیتی سریال‌های تلویزیونی ایرانی در سال ۸۳ با بررسی ۴۳ سریال ایرانی پخش شده در سیمای جمهوری اسلامی ایران، پژوهش حقیقی نسب و هدایتی (۱۳۸۴) در بررسی تصویرسازی نقش جنسیت در آگهی‌های بازرگانی شبکه‌های تلویزیونی داخلی ایران که با تحلیل محتوای ۱۳۹ آگهی تلویزیونی برای نمونه انجام شده و همچنین پژوهش راودراد (۱۳۸۰) در بررسی تغییرات نقش زن در جامعه و تلویزیون با مقایسه سریال‌های تولید شده در سال‌های ۱۳۷۴ و ۱۳۷۸ نمونه‌هایی از این دست هستند.

1. Elizabeth Grauerholz and Bernica A. Pescosolido

پژوهش‌های گوناگون داخلی و خارجی هم به موضوع بازنمایی جنسی و جنسیتی در سریال‌های تلویزیونی، فیلم‌های سینمایی و تبلیغات تلویزیونی و بازنمایی نقش‌ها یا هویت و کلیشه‌های جنسیتی در داستان‌ها یا سایر متون ادبی پرداخته‌اند. اما مطالعه و بررسی هویت جنسیتی در مورد محتوای کاربرساخت همچون رمان‌های عامه‌پسند اینترنتی تا حدودی در پژوهش‌های موجود مغفول مانده است؛ رمان‌های عامه‌پسندی که از یک سو به دلیل محتوای آن به ادبیات تعلق دارند از سوی دیگر به دلیل عدم رعایت کامل قواعد ادبی و استفاده از زبان محاوره و عامیانه، باید نام ادبیات عامه‌پسند بر آنها نهاد و سوم، به دلیل فضا و ابزار انتشار آنها - اینترنت - به فضای رسانه‌های مدرن تعلق دارند.

چارچوب مفهومی

کلیشه جنسیتی

وقتی در باب کلیشه‌های جنسی گفتگو می‌شود، عموماً مراد از آن، تفکرات قالبی موجود در یک فرهنگ و راه‌های بازتولید یا برساخت یا تفکرات به صورت مجموعه‌ای از ذهنیت‌های شکل‌یافته در ساختار بین ذهنی کنشگران اجتماعی فعال در یک جامعه است. از این‌رو، کلیشه‌های فرهنگی از جمله کلیشه‌های جنسیتی در واقع به نوعی تفکرات قالبی، بازتولید آنها یا فرایند برساخت آنها دلالت دارد. والتر لیپمن نخستین کسی است که مفهوم تفکر قالبی را به معنای تصاویر ثابت و محدود در ذهن به کار برد (کیسی، ۲۰۰۲: ۲۳۹). در نظر او تفکر قالبی شامل باورها، اندیشه‌ها و قالب‌های ساخته و پرداخته ذهنی بود که به ادراکات شخص از محیط پیرامون خود رنگ و هیأت خاصی می‌بخشند و به صورت میراث اجتماعی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند (صادقی و کریمی، ۱۳۸۳: ۶۵). آنچه در کلیشه‌سازی جلب توجه می‌کند، طبقه‌بندی‌ها و گروه‌بندی‌های درون جامعه است. افراد جامعه هنگامی که خود را عضو گروهی خاص می‌پندارند، افراد گروه خود را «خودی» پنداشته و درباره آنان با دیدی باز قضاوت نموده و سعی در تشخیص خصوصیات ویژه افراد در گروه خودی می‌کنند، اما در مورد گروه‌های «غیر خودی»، به یک سری اطلاعات سطحی و ناقص بسنده کرده و بر همان مبنای هم قضاوت می‌کنند. البته در اینجا ذکر این نکته لازم است که افراد برای شناخت جهان پیرامون خود و داشتن قدرت مواجهه با محیط‌های جدید نیاز به یک سری اطلاعات دسته‌بندی شده از هر موضوع دارند. به این ترتیب، طرح‌واره‌ها^۱ مطرح می‌شوند.

1. Schema

طرح‌واره‌ها ساخت‌های شناختی ذخیره شده در حافظه هستند که به بازنمایی‌های انتزاعی رویدادها، اشیاء و روابط در دنیای واقعی می‌پردازند. طرح‌واره‌ها در واقع فرضیه‌ها و طبقه‌بندی‌هایی هستند که افراد درباره محیط پیرامون خود و افراد دیگر می‌سازند. طرح‌واره‌ها به انسان توانایی کنترل و پیش‌بینی می‌دهند. بنابراین، مردم طرح‌واره‌ها را به‌منظور طبقه‌بندی تجربیات خود و دیگران و رویدادهای زندگی و نقش‌های اجتماعی به کار می‌برند. بر طبق نظر روان‌شناسان شناختی، طرح‌واره‌ها لازم‌اند زیرا افراد از وقت و نیروی ذهنی کافی جهت بازسازی هر موضوع به صورت منفرد برخوردار نمی‌باشند.

گرچه طرح‌واره‌ها گاهی خام به نظر می‌آیند، اما اغلب مواقع به اندازه کافی خوب عمل کرده و افراد را در مواجهه با موقعیت‌های جدید یاری می‌رسانند. فرهنگ جامعه با انتقال طرح‌واره‌ها به افراد نشان می‌دهد چه نقش‌هایی را در جامعه باید عهده‌دار شوند و از چه مهارت‌هایی باید برخوردار باشند. اما در مواقعی گروه‌های اجتماعی جهت تمایزگذاری بین خود و دیگران، از طرح‌واره‌ها به‌عنوان الگوهای کاملاً ثابت و غیر قابل تغییر استفاده نموده و هرگونه تجربه‌ای را که با طرح‌واره ثابت آنان ناهمخوان باشد، کنار می‌گذارند. اینجاست که بحث کلیشه‌سازی و کلیشه‌های جنسیتی مطرح می‌شود (همان: ۶۵ و ۶۶). این کلیشه‌ها از طریق سیستم غالب در فرهنگ، استعارات، کنایه‌ها، داستان‌های اساطیری، تصویرهای نقاشی شده یا پیکرنگاری‌ها بر افراد جامعه القا می‌شوند (میرز، ۲۰۰۲: ۲۴). بنابراین، کلیشه‌های جنسیتی محصول صلیبت و استواری طرح‌واره‌ها هستند. البته کلیشه‌های جنسیتی با کلیشه‌های جنسی تفاوت مفهومی ظریفی دارند که برخاسته از تفاوت مفهوم جنس و جنسیت است. کلیشه‌های جنسی به تفکرات قالبی در مورد جنس بدن و فیزیولوژی فرد و تمایلات جنسی او مربوط می‌شود و کلیشه‌های جنسیتی، ویژگی‌ها و جنبه‌های ذهنی و عینی مردانگی و زنانگی و عملاً یک برساخته اجتماعی و حاصل زیست در جامعه است. در مقابل، طرح‌واره‌ها همچنان از امکان و قابلیت تغییر بر حسب موقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی زمان‌مند و مکان‌مند را دارند. این موقعیت‌های مکانی و زمانی به ادراک فرد از «خود» و تمایز آن از دیگری و هویت‌یابی او از جمله در بعد هویت جنسی کمک می‌کند.

هویت جنسی

مفهوم هویت از ریشه لاتین «idem» گرفته شده که دلالت بر همانندی و استمرار دارد و به فراهم آوردن ادراکی از آنچه که ما هستیم و آنچه دیگران هستند، کمک می‌کند. این مفهوم

به عنوان پیوند دهنده زندگی اجتماعی بشر و فرهنگ‌های پیش روی او عمل می‌کند و دلالت بر ادراکی از معنا و احساس طبقه‌بندی‌ها و تمایزات کمک می‌کند و تفاوت‌های بین «ما» و «دیگران» را روشن می‌سازد.

هویت‌های جنسی^۱ و جنسیتی^۲ به مشخص کردن موقعیت افراد در چارچوب‌های فرهنگی معین کمک می‌کند. در برخی جوامع - عموماً سنتی - هویت افراد از پیش معین شده و کمتر دارای انعطاف و قابل بحث و چالش هستند. در این گونه چارچوب‌های فرهنگی سنتی، جنسیت و تمایلات جنسی، به‌منزله یک هویت - از پیش موجود - به فرد اعطا می‌شود. اما در سایر جوامع - معمولاً جوامع مدرن - در مورد ماهیت، منشأ و تأثیرات انواع هویت‌ها، بحث‌های زیادی وجود دارد. در چنین جوامعی، هویت‌ها کمتر ثابت و از پیش تعیین شده هستند. جامعه‌شناسان معتقدند که هویت در چارچوب زمینه تاریخی و اجتماعی تعیین می‌یابد و از این رو در فرایند اجتماعی برساخته می‌شود. بر این اساس، افراد می‌توانند تا در مورد اینکه «چه کسی هستند؟» دست به نوآوری بزنند.

تحلیل هویت، شامل گستره وسیعی از دغدغه‌ها از هویت جنسی و هویت جنسیتی تا هویت‌های قومی و تا هویت‌های ملی است. نزد بسیاری از جامعه‌شناسان همچون آنتونی گیدنز، اولریش بک و زیگموند باومن، هویت مفهومی بی‌ثبات است که همچنان باید در مورد آن بررسی بیشتری انجام داد. برای نمونه، گیدنز معتقد است که هویت به بخشی از «سیاست سبک زندگی» برای پاسخ به این پرسش که «ما چگونه باید زندگی کنیم؟» تبدیل شده است. بر این اساس، انتخاب سبک زندگی به‌طور فزاینده‌ای در تعیین بخشی به هویت و فعالیت روزمره دارای اهمیت شده است.

از دیدگاه باومن، اگر مسأله جامعه مدرن، چگونگی برساخت هویت و استمرار و نگه‌داشت آن به‌صورت ثابت و پایدار بوده، مسأله جامعه پست مدرن پیش از هر چیز این است که چگونه هویت از ثبات (عدم تغییر) حفظ شود و امکان انتخاب سایر حالت‌های دیگر برای تغییر آن باز بماند. تمامی این مباحث به این معناست که انتخاب‌های سبک زندگی حول محور چگونگی «جنسیت^۳ وجودی» (مواردی مثل چگونگی مرد بودن، چه نوع مردی بودن و چگونگی مشاهده خود به عنوان یک مرد) و «موجودیت جنسی^۴» (مواردی مانند چگونگی همجنس‌گرایی، چگونگی شناسایی خود جنسی و ...) باید ساخته شود (ریترز، ۲۰۰۷).

1. Sexual
2. Gendered
3. Gender
4. Sexual Being

بر اساس آنچه گفته شد، هویت در جامعه امروز، مفهومی سیال است که در پیوند با زندگی روزمره، انتخاب‌های جاری در این تجربه زندگی و معناهای قبل و بعد از انتخاب‌ها قرار دارد. از این رو، هویت جنسی نیز در جریان امر روزمره‌ای که به شدت زیر تأثیر ارتباطات بین فرهنگی، ابزارها و امکانات آن از جمله اینترنت قرار دارد به صورت مداوم در حال بازسازی است. در این میان، دو مفهوم هویت جنسی و هویت جنسیتی در یک قلمرو مفهومی معنا می‌شوند و هر دو شامل ادراکاتی است از مرد بودن یا زن بودن «خود» و آنچه در تمایز بین «خود» و «دیگری» معنا می‌شود؛ خواه این ادراک معنا، از جنس^۱ فیزیولوژیک خود باشد یا از جنسیت^۲ برساخته در زیست اجتماعی فرد.

این بعد از هویت، شامل آن بخش از رفتارها و نگرش‌های فرد در مورد جنس خویش است که زیر تأثیر شرایط فرهنگی - اجتماعی شکل می‌گیرد و آشکارترین وجه هویت فردی است که در تعامل با دیگران ساخته می‌شود. برای نمونه استفاده از رسانه‌های ارتباطی، شامل آفرینش انواع جدید روابط اجتماعی، راه‌های تازه رابطه با خود و دیگران و در نتیجه شکل‌های متفاوتی از ابراز هویت جنسی است. بر همین اساس، در باور افکار عمومی (تعامل افراد جامعه با یکدیگر) مسئولیت مراقبت از شوهر و فرزندان بر عهده زن و تأمین مالی خانواده بر عهده مرد است (آبوت و والاس، به نقل از حاتمی و مذهبی، ۱۳۹۰: ۱۹۳).

همان‌طور که ریتزر (۲۰۰۷) هم به آن اشاره کرده، بر خلاف تمایز بارز بین «کلیشه‌های جنسیتی» و «کلیشه‌های جنسی»، مرز بین «هویت جنسی» و «هویت جنسی» در عمل، بسیار ناچیز است. از این رو در این مطالعه، مفهوم هویت جنسی به منظور مفهوم مرکزی مورد بررسی انتخاب شده است.

در جمع‌بندی نهایی بر اساس ادبیات نظری و تجربی مرور شده می‌توان گفت که کلیشه‌ها و از جمله کلیشه‌های جنسیتی عموماً از جنس تفکرات قالبی هستند. اما این ماهیت همسان نباید ما را از امکان تغییر تدریجی مکان مند یا زمان مند «معناها» و «نقش‌های» مستتر در قالب طرح‌واره‌ها غافل کند. هر چند مفهوم کلیشه‌های جنسیتی دو خصوصیت «مقاومت در برابر تغییر» و «دامنه معانی محدود و تحقیرآمیز» دارند (کیسی، ۲۰۰۲: ۲۲۹)، اما گاهی بین گروه‌های

1. Sex
2. Sender

اجتماعی موجود در یک جامعه واحد و همچنین از یک دوره زمانی تا دوره زمانی دیگر متفاوت و در مجموع بر حسب موقعیت‌های مکان - زمان متغیر خواهند بود.

در جامعه در حال گذار امروزی که به‌طور فزاینده زیر تأثیر رسانه‌های مدرن قرار دارد، ارتباطات بین فرهنگی بیش از هر زمانی تسهیل شده و گردش اطلاعات در لحظه رخ می‌دهد. سرعت تغییرات در عقاید قالبی بر حسب زمان و همچنین بین گروه‌های اجتماعی و سپهرهای فرهنگی گوناگون نیز افزایش یافته است. برای نمونه ممکن است نقش‌های جنسیتی زنانه و مردانه در سپهر عمومی جامعه با آنچه در حوزه ادبیات داستان‌های عامه‌پسند - مانند آنچه در این پژوهش مورد بررسی است - دارای تفاوت‌هایی باشد. این تفاوت‌ها می‌تواند نتیجه تفاوت بین ارزش‌ها، نگرش‌ها و در نتیجه ادراک از خود و عمل بر اساس آن، بین زنان و مردان یک جامعه باشد.

بنابراین، بر اساس چارچوب مفهومی موجود در مورد معنای کلیشه‌های جنسیتی و هویت جنسی، می‌توان به نوعی استنباط مفروض در مورد هویت جنسی بازنمایی شده در رمان‌های عامه‌پسند اینترنتی، تفاوت آنها با ارزش‌های دینی سنتی غالب در ایران و نسبت بین کلیشه‌های رایج در این رمان‌ها با منزلت اقتصادی شخصیت‌های این داستان‌ها دست یافت. از این‌رو پرسش‌های اصلی پژوهش شامل سه پرسش اصلی زیر خواهد بود:

۱. هویت جنسی در رمان‌های عامه‌پسند اینترنتی نودهشتیا چگونه و شامل چه ویژگی‌هایی است؟
۲. الگوی هویت جنسی شناسایی شده در این رمان‌ها چه نسبتی با منزلت اقتصادی مختلف دارد؟
۳. چه تفاوت‌هایی بین هویت جنسی زنانه و مردانه در این رمان‌ها وجود دارد؟

ویژگی‌های مورد سوال در پرسش‌های بالا به‌طور ویژه بر اساس ابعاد زیر در نحوه ابراز

هویت در رمان‌های مورد بررسی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

جدول ۱. شاخص‌های هویت جنسی در تحلیل رمان‌های عامه‌پسند نودهشتیا

شاخص‌ها	مولفه‌ها	
لباس و پوشش	ابراز هویت ظاهری	هویت جنسی
آرایش چهره و مو		
نگاه به جنس مخالف	ارزش‌ها و نگرش‌های جنسی	
نگاه به روابط بین جنسی		
روابط بین جنسی	رفتارها	
نحوه تقید به اخلاقیات جنسی		

در طبقه‌بندی بالا، «ابراز هویت ظاهری» بیشتر به وضعیت ظاهر و پوشش افراد مربوط می‌شود. در مقابل، «ارزش‌ها و نگرش‌ها» جنبه‌ای ذهنی از ابراز هویت جنسی را شامل می‌شود که به باورها، ذهنیات و دیدگاه‌های افراد به ویژه در نگرش یا روابط با جنس مخالف مربوط است. «رفتارها» نیز شامل نحوه کنش فرد در تعاملات بین جنسی و میزان تقید عملی او به اخلاقیات جنسی است.

پایگاه اینترنتی نودهشتیا و فرایند تولید و انتشار رمان‌ها

سایت 98ia (نودهشتیا) از حدود سال ۸۶ راه‌اندازی شده است. انتشار کتاب‌های الکترونیکی فعالیت اولیه نودهشتیا بوده است. کتاب‌هایی با موضوعات پراکنده شامل رمان ایرانی و خارجی چاپ شده، کامپیوتر و مهندسی، پزشکی، علوم غریبه و روان‌شناسی و سایر موارد که البته این پراکندگی موضوعات در صفحه اصلی مربوط به سال‌های آغازین کار این سایت است. تمامی آنچه که در حال حاضر نیز از این موضوعات در صفحه اصلی وجود دارد، مربوط به گذشته است. پایگاه اینترنتی نودهشتیا با گذشت زمان به جایی برای نشر رمان‌های کاربران سایت تبدیل شد، به گونه‌ای که کاربران با عناوین نویسنده و مترجم، آثار خود را در صفحه اصلی قرار دادند. در مقابل، انتشار کتاب‌های سایر نویسندگان داخلی و خارجی در سایت کمتر شد. روند یادشده تا آنجا پیش رفت که در حال حاضر می‌توان گفت اکثر رمان‌های اینترنتی عامه‌پسند موجود در نودهشتیا متعلق به کاربران و نویسندگان آن است.

نحوه کار نگارش و انتشار رمان‌ها از سوی کاربران سایت به این شکل است که کاربران ابتدا در تالار گفتمان عضو می‌شوند. سپس با قرار دادن یادداشت‌هایی تدریجی و پیوسته در بخش «تایپ رمان» تالار گفتمان، رمان خود را به مخاطبان ارائه می‌دهند (این فرایند گاه چند هفته و گاه بیش از یک سال به طول می‌انجامد).

اساس قرارگیری این رمان‌ها در صفحه اصلی سایت، میزان امتیاز کاربران به این رمان‌هاست. بدین ترتیب که رمان‌هایی که امتیازشان به حد نصاب می‌رسند (پس از اتمام و انتقال از بخش «رمان‌های در جریان تایپ» به بخش «رمان‌های کامل شده نوشته کاربران») فرصت قرارگرفتن در صفحه اصلی سایت را می‌یابند. نحوه امتیازدهی کاربران نیز به صورت انتخاب از ۵ ستاره است، به طوری که یک ستاره نشانگر کمترین امتیاز و ۵ ستاره بیانگر حداکثر امتیاز است.

روش پژوهش

در بررسی رمان‌های عامه‌پسند اینترنتی برای دریافتی عمیق از بازنمایی هویت جنستی در آنها، از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. تحلیل محتوا کمک می‌کند تا با کاوش در معانی تولید شده حاصل از کنش متقابل انسانی، بتوان به مدلول‌های ذهنی که خود نشانه‌ای از ساختارهای معنایی موجود در ذهنیت‌های تعمیم‌یافته در یک جامعه یا گروه اجتماعی خاصی در آن دست یافت. بر این اساس، هر مفهومی که در کنار مفاهیم دیگر در یک محتوای رسانه‌ای، ادبی، هنری و محتواهایی از این دست مشاهده شود، دال بر برداشتی ذهنی از روابط، مناسبات، ارزش‌ها و نگرش‌ها و رفتارهای مربوط به هریک از دو جنس زن و مرد است. با توجه به حجم زیاد هریک از رمان‌های مورد بررسی، امکان بررسی تعداد زیادی از آنها فراهم نبود. بنابراین، با انتخاب نمونه‌ای شامل ۲۴ رمان از محبوب‌ترین رمان‌های بارگذاری شده از سوی کاربران در سایت «نودهشتیا» که در عین حال نماینده مناسبی از شخصیت‌پردازی‌ها، روایت‌ قصه و فضای داستانی رمان‌های این سایت بوده‌اند، محتوای آنها مورد تحلیل محتوای کیفی قرار گرفت.

گرایش‌های روش‌های پژوهش کیفی برای فهم موضوع تحقیق از درون و میل به حداقل رساندن اثرات دیدگاه‌های از پیش موجود بر نتایج تحقیق، زمینه‌ساز رواج رهیافت استقرایی در این دست تحقیقات هستند؛ تا آنجا که بسیاری، روش‌های کیفی را تنها استقرایی دانسته‌اند. اگر چه چنین فرایندی می‌تواند توصیف‌گر بخشی از فعالیت‌های انجام گرفته در حیطه تحلیل محتوای کیفی باشد، اما معرف همه ابعاد آن نیست. عموماً استقرای تنها در تحلیل محتوا، مانند آنچه در همین پژوهش انجام شده، کارایی کمتری دارد و تحقیقاتی با تمرکز بر این رویکرد هم در بخش‌هایی، با نظریه‌ها و دیدگاه‌های بیرونی پیوند دارند. در جایی که در جریان استقرا، محقق به درون فهمی و حرکت به لایه‌های عمیق موضوع حرکت می‌کند از استقرای خام دور شده و به نوعی با استفهام پیوند می‌خورد (تبریزی، ۱۳۹۳: ۱۲۱-۱۲۰). بنابراین، در این مقاله هم نوعی حرکت از قیاس به استقرا و برعکس انجام می‌شود که ممکن است درکی از مراحل تعریف موضوع تحقیق، ساخت چارچوب مقوله‌بندی، پرورش و گسترش مقوله‌ها، جمع‌بندی و تحلیل نتایج، یا در کل تحقیق، شواهد آن مشاهده شود که این خود نشان از حضور رویکرد ابداکتیو^۱ - و نه تنها حضور یک منطق استقرا یا قیاس - در فرایند پژوهش دارد. بنابراین، آنچه در این پژوهش

۱. در مورد رویکرد ابداکتیو در پژوهش ن.ک به سرایی و پویافر، ۱۳۹۰

هم انجام شده، هم شامل استفاده از رویکرد قیاس در فرایند تحلیل محتوا و هم استفاده از استقرا برای بر ساختن مؤلفه‌های مختلف بازنمایی شده از هویت جوانان در رمان‌های مورد بررسی است. رمان‌های مورد بررسی بخشی از کل رمان‌های موجود در سایت «نودهشتیا» بوده‌اند که به شیوه هدفمند نمونه‌گیری شده‌اند. روش نمونه‌گیری به این صورت بوده که در مرحله اول، از کل رمان‌های کاربران که در این سایت منتشر شده، رمان‌های دارای ۴/۵ ستاره امتیاز (از حداکثر ۵ ستاره یا امتیاز از نظر کاربران)، مجموعاً به تعداد ۳۵۹ رمان انتخاب شد. در مرحله دوم به‌طور هدفمند ۲۴ رمان عامه‌پسند کاربران که دارای ویژگی‌های مورد اشاره در بالا بودند، به‌عنوان نمونه هدفمند برای تحلیل محتوای کیفی انتخاب شدند. در مراحل نمونه‌گیری، فقط رمان‌های کامل شده به‌عنوان جامعه مورد بررسی اصلی در نظر گرفته شدند. در عین حال در سایت نودهشتیا، بخشی برای رمان‌های در حال تایپ وجود دارد که در آن نویسندگان، رمان‌های خود را قسمت به قسمت به اشتراک می‌گذارند. بنابراین، رمان کامل شده می‌تواند هم حاصل اشتراک یک باره یک رمان کامل شده و هم حاصل تکمیل چند مرحله‌ای انتشار آن در قسمت‌های مختلف باشد.

برای تفسیر محتوای کیفی رمان‌ها، به‌طور کلی از روال کدگذاری باز و سپس کدگذاری محوری استفاده شده است تا از سطح مفاهیم اولیه متناظر با کدگذاری‌های باز به یک نوع مقوله‌بندی از اجزا و مولفه‌های هویت جنسی جوانان، بازنمایی شده در رمان‌های مورد بررسی منتهی شود. بر این اساس، پس از کدگذاری متن، بر اساس مفاهیم شناسایی شده، این مفاهیم ذیل مقولات هویت جنسی و ابعاد آن (بر اساس مدل ارائه شده در جدول ۱) قرار گرفته‌اند. سپس مقولات مورد بررسی در ارتباط با هریک از مؤلفه‌های هویت جنسی طبقه‌بندی و تفسیر شدند. در نهایت، تفسیر بر آمده از تحلیل محتوای کیفی این متون با اشاره به مصداق‌ها و مثال‌هایی بارز از هر مقوله در متن رمان‌ها، یافته‌های پژوهش را ساخته است.

رمان‌های مورد تحلیل

عنوان رمان	نام / نام مستعار / کاربری نویسنده
نقاب عاشق، پایگاه	آنی‌تال (نام مستعار کاربری، anital)
شیاطین سیاه، فرشتگان سفید، آدم‌های خاکستری	ب.حسینی (نام مستعار کاربری، b.hassani)
او دوستم نداشت	پری ۹۳ (نام مستعار کاربری)
اسطوره	پگاه (نام مستعار کاربری، P*E*G*A*H)
روزهای رنگی	ترانه. ن (نام مستعار کاربری، tarane.n)
دردم	دختر خورشید (نام مستعار کاربری، sunDaughter)

نام/ نام مستعار/ کاربری نویسنده	عنوان رمان
دختر خورشید (نام مستعار کاربری، sunDaughter)	رسوب
دختر خورشید (نام مستعار کاربری، sunDaughter)	من، تو، او، دیگری
رز وحشی (نام مستعار کاربری)	نامزدی اشتباهی
پگاه (نام مستعار کاربری، P*E*G*A*H)	شاه شطرنج
شایسته بانو (نام مستعار کاربری)	همسایه من
صبا زرساز	اشک‌های یک دل‌فک
صفا ۹۴۳۳ (نام مستعار کاربری، safa9433)	آسمان دیشب، آسمان امشب
فاطمه حیدری	اینجا زنی عاشقانه میبارد ۲
فاطمه حیدری	دست خط خدا
فاطمه. ر (نام مستعار کاربری، fateme_r)	به آفتاب سلامی دوباره خواهم داد
فرشته ۲۷ (نام مستعار کاربری، fereshte27)	گناهکار
فرشته ۴۹ (نام مستعار کاربری)	گشت ارشاد
لیلی (نام مستعار کاربری)	عروسک جون
منا معبری (mona30)	طلوع از مغرب
مونشاین (نام مستعار کاربری moonshine) و فاطیما ۸ (نام مستعار کاربری)	به نجابت مهتاب
مهتاب ۲۶ (نام مستعار کاربری، mahtab26)	سقوط آزاد
نازنین ۸۷ (نام مستعار کاربری)	عشق یوسف
نیلوفر ۷۲ (نام مستعار کاربری)	دختری که من باشم

یافته‌ها

تحلیل محتوای کیفی رمان‌های مورد بررسی در قالب مدل ارایه شده در جدول شماره ۱ انجام شده است تا بر این اساس، تعیین شود که وجه غالب هویت جنستی در رمان‌های عامه‌پسند در هریک از بخش‌های «ابراز هویت ظاهری»، «ارزش‌ها و نگرش‌های جنسی» و «رفتارها»، به تفکیک زنان و مردان و سطوح اقتصادی مختلف چگونه است. برای اعتباربخشی تحلیل در موارد مورد نیاز پیش از یک استناد به متن رمان‌ها آورده شده است.^۱ آنچه در اینجا به‌عنوان مؤلفه‌های هویت جنستی ارائه می‌شود، در واقع منعکس‌کننده غیرمستقیم تصویر ذهنی‌ای است که نویسنده رمان از هریک از مقولات یادشده دارد. در عین حال، همین تصویر ذهنی، مبنای خلق شخصیت‌های داستان، روند رخدادها و فرایند قصه و تأیید یا نقد شخصیت‌ها به‌صورت ضمنی است. همچنین از آنجا که نویسنده این رمان‌ها، خود، بخشی از جامعه جوان امروز جامعه ایران - عمدتاً متولدان دهه ۷۰ - هستند، بنابراین، بازنمایی هویت جنسی برآمده از

۱. در نقل مستقیم از متن رمان‌ها، به این صورت عمل شده که در داخل پرانتز، شماره صفحه و نام رمان آمده است. مثلاً: (ص ۵۷، به رنگ مهتاب)

رمان‌ها می‌تواند ارزش‌ها، نگرش‌ها و ذهنیات حداقل گروه مهمی از جوانان امروز جامعه ایرانی را که گاه کاملاً فارغ از دغدغه‌ها، ایدئولوژی و آرمان‌های نسل انقلاب و حتی نسل دهه ۶۰ هستند، نشان دهد.

هویت جنسی زنانه

۱. ظاهر و پوشش

لباس و ظاهر فرد نمود عینی بارزی از ابراز هویت اوست. بر این اساس هویت جنسی نیز می‌تواند به نوعی در پوشش ظاهری زن یا مرد نمود یابد. در ظاهر و لباس زنان طبقه بالا آنچه در رمان‌های مورد بررسی از طریق تکرار این نشانه‌ها در محتوای رمان‌ها بر آن بیشتر تأکید شده، «آراستگی، خوش‌پوشی و شیک‌پوشی» است.

پالتوی مشکی کوتاهم را می‌پوشم و ساق بوت‌های چرمی‌ام را روی شلوار جینم می‌کشم و زینت را به زحمت می‌بندم. شال زرشکی هم‌رنگ رژم را روی سرم می‌اندازم» (ص ۵۲، شاه شطرنج).

آراستگی و خوش‌پوشی یادشده البته معمولاً با تلاش برای نشان دادن زیبایی‌های بدن خود همراه است. اساساً برای دختر ایرانی که مشمول اجرای قانون رعایت حجاب در انظار عمومی است، تنها مجال ابراز ظاهری «خود» صورت و دست‌ها به علاوه بخش‌هایی از موهای خود تا حدی است که مأموران قانون به او اشکال نگیرند. در این میان، تلاش او برای ارائه تصویری ذهنی^۱ مطلوب از خود در ذهن جنس مخالف به خصوص با کمک لباس‌های تنگ (اصطلاحاً «فیت»^۲ یا «جذب») یا با رنگ‌های خاص خود را نشان می‌دهد:

«مانتو آبی فیلی کوتاه فیت بدنش شلوار جین سفید، یه شال آبی کاربنی بارگه‌های سفید که خیلی خوشگل ملل داره رو دور گردنش پیچیده بود و موهای بلوطیش رو کج باز کرده بود و ریخته بود تو صورتش. آرایش صورتش از اینجا معلوم نبود اما از دور واقعاً تو چشم بود مخصوصاً با اون کفشای جیغ و آبی» (ص ۴۵، به نجابت مهتاب).

«یه شلوار لوله تفنگی پام کردم با یه چکمه تا زیر زانو ورنی. یه تونیک بافت و یه شالگردن قرمز پیچیدم دور گردنمو به جای روسریم کلاه تپل قرمز سرم کردم. اون رژ معروفم (قرمز) زدم» (ص ۱۳۵، همسایه من).

در مقابل زنان طبقه بالا، زنان طبقه پایین جامعه بیشتر با لباس‌هایی ساده و عموماً تیره توصیف می‌شوند. البته در مجموع در این رمان‌ها کمتر به توصیف ظاهر این طبقه از زنان

1. Imge
2. Fit

هویت جنسی جوانان در رمان‌های عامه‌پسند ... ۱۲۳

پرداخته شده است. در عین حال در مورد نحوه تقید به حجاب در میان زنان این طبقه از جامعه، محتوای رمان‌های مورد بررسی تقیدی بیش از زنان طبقه بالا را نشان می‌دهند، با این معنا که پوشش سر را نیز رعایت می‌کنند:

«عادت نداشتیم موهامو از شال بیرون بندازم. نمی‌دونم چرا بر خلاف هم سن و سالام از این کار خوشم نمی‌اومد. نه اینکه شالم رو تا روی پیشونیم بکشم، نه اصلاً این طوری نبود. کمی از موهای جلوم از شال بیرون می‌زد، ولی نه اون طوری که همه تا وسط سرشون رو بیرون می‌ریختن و... همیشه ساده بوم ولی بد فرم لباس نمی‌پوشیدم. نه جذب و بدن نما، نه گشاد و افتضاح. در حد تعادل که افراطم نکرده باشم» (ص ۷۷ گناهکار).

در واقع زنان طبقه متوسط و پایین جامعه در رمان‌های نودهشتیا زنانی تحت تأثیر سبک زندگی در حال تحول در پوشش زنان طبقه بالا و در عین حال وابسته به تهنشست‌های مذهبی خود هستند. آنها همچنان از اینکه با لباس خیلی تنگ، با رنگ خیلی متفاوت یا بدون حجاب سر دیده شوند احساس گناه و شرمساری می‌کنند:

«ولی به جای بابا یه مرد غریبه رو دیدم که چون حجاب نداشتیم به خودم اومدم و تندی پشت در ایستادم» (ص ۱۰۰، گناهکار).

«به مامان گفتم که یه مرد غریبه اومده خونه. با تعجب چادرشو که به کمر بسته بود کشید سرش» (ص ۱۰۰، گناهکار)

۲. ارزش‌ها و نگرش‌های جنسی

سراسر رمان‌های مورد بررسی نشان می‌دهد که در رمان‌های نودهشتیا، تفاوت‌ها بین ارزش‌ها و نگرش‌های جنسی زنان و دختران طبقات بالا و پایین جامعه در مقایسه با چند دهه پیش از این، کمتر شده و زنان طبقه پایین جامعه هم گرایش به ارزش‌ها و نگرش‌هایی مشابه با ارزش‌ها و نگرش‌های زنان طبقه بالا دارند.

الف. از نظر حدود پذیرفته شده در روابط بین جنسیتی در تعداد زیادی از رمان‌ها زنان طبقه بالا خواستار روابط آزادانه‌تری هستند. در رمان‌های مورد بررسی زنان طبقه بالای جامعه، در روابط بین جنسیتی بسیار منعطف هستند و به روابط آزادانه گرایش بیشتری دارند. این انعطاف ارزشی در مورد زنان طبقه پایین نیز صدق می‌کند، با این تفاوت که زنان طبقه پایین تقید

بیشتری به ارزش‌های سنتی جامعه از خود نشان می‌دهند. زنان طبقه پایین در رمان‌های نودهشتیا نیز مانند زنان طبقه بالا از نظر تقید ذهنی و نگرشی ضعیف هستند.

گفت‌وگوی تارا و ویهان در رمان «طلوع از مغرب» نشان‌دهنده تمایل آشکار دختر (تارا) به روابط جنسی با طرف مقابل است.

- تارا: من نمی‌فهمم مشکلک با هم بودن ما دوتااست...؟ چرا؟

- ویهان: مشکلکم چیه؟ بده آدمم، مگه نگفتم که آدم ازدواج نیستم، گفتم یا نه؟ خوب پس بفهم که من با کسی رابطه‌ام رو شروع می‌کنم که بخوام باهاش ازدواج کنم... تارا جان دورت بودن یه چیزه، چیزی که تو ذهن توئه یه چیز دیگه است. این میون این تویی که صدمه می‌بینی... .

- تارا: آهان فقط رابطه داشتن از نظر تو مشکل داره؟! «

- ویهان: مگه خودت هم همینو نمیخواستی؟ من زوری کاری کردم؟ (ص ۲۱، طلوع از مغرب) در مثالی دیگر از رمان «به نجابت مهتاب»، هرچند که قهرمان داستان برای خود حدی از رابطه را قابل است، اما در عین حال، روابط بسیار آزادانه‌تری را نسبت به عرف و سنت غالب در جامعه می‌پسندد.

- «درسته که راحت دست می‌دام و تو بغلش رفته بودم؛ ولی تو خط بیشتر از اینها نبودم و دوست هم نداشتم که منو با یه هرجایی یکی بدونه» (ص ۵۳، به نجابت مهتاب).

مثال سوم در این مورد گفت‌وگوی دو شخصیت رمان «عشق یوسف» است که نشان‌دهنده عدم تقید دختر (آیدا) به حریم‌های شخصی مورد نظر در سنت‌های غالب دینی و اخلاقی جامعه است.

- یوسف: پاشو لباسو عوض کن، تی شرت خودمه!

- آیدا: بی‌هیچ حرفی همانجا بلوزش را درآورد و یوسف هم نامردی نکرد زل زل تماشايش کرد و لبخند محوی روی لبش نقش بست» (ص ۲۵، عشق یوسف).

در مثال بالا مشاهده می‌شود که پرهیز از دیدن و دیده شدن - که صرف نظر از ارزش‌های دینی، در جامعه سنتی ایرانی جزو باورهای اصلی به شمار می‌آمد، به صورتی سیال و انعطاف پذیر درآمده، تا حدی که دیدن و دیده شدن در هنگام تعویض لباس هم امری عادی به حساب می‌آید.

ب. در مورد نگاه زنان روابط بین جنسیتی در رمان‌های عامه‌پسند مورد بررسی، روابط بین جنسیتی (با هر حدودی) برای مردان به اقتضای مرد بودنشان (جایگاه اجتماعی و اقتصادی شان)، مثبت و عاملی برای شناخت از جنس مخالف است، ولی برای زنان چندان مثبت تلقی

نمی‌شود. این مثبت نبودن به معنای ذاتاً غیر مثبت بودن روابط بین جنسیتی برای زنان نیست، بلکه این طرز تلقی بر مبنای ارزش‌های عرفی جامعه شکل گرفته است. چنان‌که به وفور مشاهده می‌شود، قهرمانان رمان‌های عامه‌پسند نودهشتیا گرچه به صراحت روابط بین جنسیتی (دوستی) را برای زنان و دختران، مثبت نمی‌دانند، اما در نهایت و در عمل دختران با تجربه را صاحب مزایایی می‌دانند که بی‌تجربه‌ها دارای آن نیستند. از نظر آنها به دست آوردن توانایی ارزیابی عقلانی و منطقی در مورد مردان و واکنش صحیح در برابر کنش جنس مخالف (به واسطه شناختی که به دست می‌دهد) از جمله مزایای مذکور است که زنان با تجربه روابط بین جنسی - خارج از ازدواج - از آن برخوردارند. مثال‌های زیر نمودهایی از این ذهنیات در محتوای رمان‌های مورد بررسی است:

«اونقدری مردها رو می‌شناخت که ته نگاهشان را بخواند» (در مورد شخصیت «هلن» که دارای روابط بین جنسیتی عمیق و گسترده است)، (ص ۲۷۵، رسوب).

- شمیم پرسید: چی شد به هم زدین؟

- یلدا: اصلاً نمیدونم. دیشب گفت هدفتم از دوستیمون چیه؟ گفت دوستی خشک و خالی نمی‌خوام منم نفهمیدم منظورش چیه؟... گفت بریم خونه شون ... مامانش اینا رفتن شمال
- پریناز که با تجربه تریشان بود گفت: خطر از بیخ گوشت گذشته... با تمسخر سؤال یلدا را تکرار کرد: مثلاً می‌خوادت چکار کنه.

- شمیم: خیلی شانس آوردی (ص ۲۵۴ و ۲۵۵).

در مثال دوم چنین نشان داده شده که دوستان یلدا یعنی شمیم و پریناز، باتوجه به تجربه‌ای که خود داشته‌اند، می‌توانند ارزیابی دقیقی از پیامدهای یک رابطه داشته باشند.

اما از سوی دیگر برای دختران، مردانی هم که تجربه ارتباط با سایر زنان و دختران را داشته‌اند، برای یک رابطه عاطفی کامل، پخته‌تر و باتجربه‌تر به حساب می‌آیند. از نظر دختران رمان‌های نودهشتیا، هرچند داشتن رابطه همزمان با دخترهای دیگر یک امتیاز منفی به حساب می‌آید، اما داشتن سابقه روابط قبلی یک مرد می‌تواند مزیت‌هایی همچون مواردی که گفته شد را در رابطه با آنها داشته باشد:

«مراسم جالب بود. محبتای مجد جنسش با محمد فرق داشت. شاید از لحاظ عقلانی محمد شخص مناسب‌تری بود برای ادامه زندگی... شاید بکر بودن و حس و نجابت ذاتی که داشت اونو به وضوح از مجد متمایز می‌کرد. ولی در عوض مجد به واسطه‌ی روابط زیادی که با دخترا

داشت به شناخت کاملی از همجنسای من رسیده بود که باعث می شد ملموس باشه و رفتارش پخته تر از محمد» (ص ۱۳۷، همسایه من).

در عین حال، دخترهای رمان‌های نودهشتیا، همچنان دوست دارند که یگانه زن دنیای مردشان باشند:

«... اونم واسه منی که مثل خیلی از دخترای هم وطنم معتقد بودم فقط یک مرد باید تو زندگیم باشه...» (ص ۶۲ همسایه من).

ب- و اما از نظر نگرش به ازدواج، اغلب زنان طبقه بالا و پایین جامعه در رمان‌های نودهشتیا، ازدواج را قرین آرامش و امنیت می‌دانند و در نهایت مثبت می‌شمارند. از این نظر در رمان‌های نودهشتیا زنان طبقه بالای جامعه هم مانند زنان طبقه پایین نگرش مثبتی به ازدواج دارند:

«تمام دخترها به ازدواج با پسری که دوستش دارند فکر می‌کنند» (ص ۵۸، اسطوره).

در عین حال، زنان طبقه بالا نیت قلبی را مقدم بر مجوز شرعی می‌دانند:

- یوسف: ... [بابا لطفی] غرمیزنه [که] پس این دختره رو کی عقد می‌کنی، والا اینجوری معصیت داره.

- آیدا با آرامش گفت: بهش بگو بابا لطفی ما دو جور عقد داریم یکیش دلیه و یکیشم محضری. بگو من فعلاً آیدا رو دلی عقد کردم، مونده محضریش که اونم چند وقت دیگه اگه خدا بخواد» (ص ۶۵ عشق یوسف).

در رمان «رسوب» (ص ۳۱۱)، هانا و هلن هر دو ازدواج را مسیری برای رسیدن به آرامش می‌دانند. حتی در مورد زنانی که مجرد را بهتر از تأهل میدانند این «بهتر دانستن مجرد نسبت به تأهل» محدود می‌شود به قبل از زمانی که به شخصی هماهنگ با معیارهای خود یا جامعه برخورد کنند (مانند لاله در رمان «او دوستم نداشت»). گویی ازدواج به منزله تضمین - حداقل ظاهری - انحصار یک مرد برای یک زن، همچنان یکی از ویژگی‌های تغییر نیافته هویت زنانه در تعامل با مردان باقی مانده است.

اما تعدادی از زنان قهرمان رمان‌ها هم هستند که با وجود عاشق بودن تمایلی به ازدواج ندارند. شخصیت «آیدا» در رمان «عشق یوسف» مثالی بارز از این دست زنان است:

«آیدا: ازدواج؟ یوسف ول کن بابا! تو در هر حال جو زده می‌شی‌ها! عاشق شدی درست. اما

ازدواج به مرحله‌ایه که به گروه خونی ما نمی‌خوره» (ص ۲۳۸).

۳. رفتارها

ویژگی‌های شخصیتی زنان طبقه بالا در رمان‌های عامه‌پسند اینترنتی مورد تحلیل را می‌توان در چند طبقه دسته‌بندی کرد.

در تعدادی از رمان‌ها دیده می‌شود که زنان طبقه بالا نیز برای تمدد اعصاب یا تفنن سیگار می‌کشند:

«پس لابد اون مادر بزرگ خدا بیامرز من بود که سیگار میکشید نه زن شما» (ص ۲۶۳، شیاطین سیاه، فرشتگان سفید، آدمهای خاکستری).

در رمان‌های بسیاری دیده می‌شود که زنان طبقه بالا در نقش مادری «بی‌مسئولیت» ظاهر می‌شوند:

«گاهی از این مادر بی‌مسئولیت، دمدمی و بی‌فکر خنده‌اش می‌گرفت مادری که به هیچ مدلی برای آنها مادری نکرده بود. کسی که تمام دغدغه و فکر و نگرانش لباسش، پول و مهمانی‌هایش بود» (ص ۱۷، شیاطین سیاه، فرشتگان سفید، آدمهای خاکستری).

این بی‌مسئولیتی بیشتر نتیجه فراغت است که به‌طور طبیعی طبقات بالای اجتماعی بیشتر از برخوردارند. در واقع وضعیت اقتصادی و رفاهی مناسب هم امکان استفاده از انواع ابزارهای فناوری و لوازم خانگی پیشرفته و هم امکان به‌کارگیری کارگر خانگی را برای انجام کارهای خانه بیشتر فراهم می‌آورد. در نتیجه به جای صرف زمان خاصی از روز، زنان و دختران طبقه بالای جامعه فرصت پرداختن به فعالیت‌های فراغتی دلخواه را بیشتر خواهند داشت. بخشی از این فرصت در برنامه‌های تفریحی و مهمانی‌های خاصی که تمایز بخش این طبقات در مقابل طبقات دیگر هست، صرف شود:

«هنر مادر تو چیه؟ هر شب پارتنی رفتن و پارتنی دادن» (ص ۲۴۵، اسطوره).

«من یه دختر بودم که باباش تو کنفرانس‌ها بود و مامانش تو دوره‌ها» (ص ۵۷، نامزد اشتباهی).

بخش دیگری از این فرصت هم می‌تواند صرف عاشق شدن و دلدادگی مجدد(حتی با وجود متأهل بودن زن) شود:

«مامانشه که مامانشه! این دو سال کجا بود؟ پسرش رو ول کرد رفت سراغ عشق و حال خودش» (ص ۳۸، نقاب عاشق)

بنابراین خیانت و آنچه خیانت شمرده می‌شود (خیانت به همسر یا به دوست پسر) در رمان‌ها از سوی زنان طبقه بالا به وفور مشاهده می‌شود:

«جدا از اون مردی که معشوقه‌ی مادرم بود...» (ص ۵۵۲، گناهکار).

«اون هشت نفر که با مادرم رابطه داشتن...» (ص ۵۵۲ گناهکار).

در رمان شیاطین سیاه، فرشتگان سفید، آدم‌های خاکستری:

«نیمه: آره واقعاً هم بچه بودم چون یک سال بعد فهمیدم که این شغلش و شوهرشم به دلیل

خیانت طلاقش داد» (ص ۳۴۷).

این سیالیت عشق و عواطف، بخشی از الگوی ابراز هویت جوانان رمان‌های نودهشتیا است که از فردی به فرد دیگری و در موقعیت‌های زمانی - مکانی مختلف قابل انتقال است. این یکی از ابعاد تغییرات فرهنگی در سطح هویت جوانان دهه هفتادی است که در تنازع کامل با ارزش‌های دینی جامعه قرار داشته است.

«سودابه با دوست پسرش توی کافی شاپ نشسته بودن که سامان اون یکی دوستش وارد

کافی شاپ میشه و بقیه ماجرا» (ص ۳، گشت ارشاد).

ویژگی دیگر متفاوت با جامعه سنتی و هماهنگ با شکل‌های نوپدید در کلان‌شهرهای امروزی، این است که، در تعداد معدودی از رمان‌ها دختران طبقه بالا به صورت مستقل زندگی می‌کنند: شخصیت «آریلی» در رمان «به نجابت مهتاب»، «کیانا» در رمان «همسایه من»، «سایه» در رمان «شاه شطرنج» و «تارا» در رمان «طلوع از مغرب». البته این شیوه زندگی در سطح کلان‌شهرهایی مثل تهران حتی بین خانواده‌های طبقه متوسط جامعه هم قابل مشاهده است.

همچنین زنان طبقه بالا عموماً حجاب و پوشیدگی را صرف نظر از پوشش سر می‌دانند. به این معنا که پوشیده‌بودن نه به معنای حجاب کامل داشتن، بلکه به معنای پوشیدگی کلی بدن است. این نداشتن پوشش سر تا جایی پیش می‌رود که در برخی از رمان‌ها مشاهده می‌شود که زنان حتی در محل کار خود (دفتر کار خود) هم پوشش سر را برمی‌دارند:

«پرستو که برای راحتی شالش را در آورده بود و با خستگی به دنبال مداد طراحی‌اش

می‌گشت...» (ص ۲۳، شیاطین سیاه، فرشتگان سفید، آدم‌های خاکستری)

«طبق معمول شالش بر روی شانه افتاده بود، با عجله شال را روی سرش کشید رها(مردی

به نام رها) خنده‌اش گرفت... یک بار به او گوشزد کرده بود که در محل کار حواسش به

حجابش باشد. چون اگر از اداره اماکن یا اتحادیه برای بازدید بیایند در دسر ساز می‌شود» (ص ۲۹، شیاطین سیاه، فرشتگان سفید، آدم‌های خاکستری).

«شالم را روی میز انداختم و پشت میزم قرار گرفتم (توصیف قهرمان داستان به نام سارا در دفتر روزنامه‌اش)» (ص ۴۵۵، آسمان دیشب، آسمان امشب).

گاهی هم حجاب، به‌عنوان مسئله‌ای حاشیه‌ای و فاقد اهمیت عنوان می‌شود:

«سعی کردم دامنم را که احساس می‌کردم تا روی زانوهایم بالا آمده پایین بکشم هرچند چندان در قید و بند این مسئله نبودم» (ص ۶۶، سقوط آزاد).

در کیفیت روابط بین جنسی، اگر «ملاعبه» را زیر مجموعه روابط نامشروع در نظر بگیریم باید گفت که روابط نامشروع به عنوان یکی از ضوابط دوستی‌های بین جنسی (صرف نظر از هدف دوستی) مطرح می‌شود. کلمه «حد» در متن زیر گواه همین مدعاست:

«... یوسف که می‌خواست منفجر شود گفت: خیلی بی‌شعوری آید! برای خودم متأسفم که این طور در مورد فکر می‌کنی... دلم می‌خواهد بکشم، من آگه واسه... می‌خواستمت که تو تهرونش ریخته... چکار کردم مگه؟ جز اینکه راحت با هم خلوت کردیم و من می‌دونستم عشقمی، عمرمی، می‌خواست اما دست از پا خطا نکردم و بیشتر از یه حد جلو نیومدم جواب بده... آید! نمی‌دانست چه بگوید پشیمان بود آخر حق با یوسف بود او هیچ وقت سوء استفاده نمی‌کرد و همیشه «حدش» را می‌دانست» (ص ۲۷، عشق یوسف).

- «کاش امروز می‌گفت، به جای اینکه از اول شروع کند. هلن می‌گفت چقدر زیاده روی کرده‌اند... اگر می‌فهمید که یک تکه از خودش در هلن رشد می‌کند، همه چیز را فراموش می‌کرد» (ص ۱۶-۱۷، رسوب).

در مورد زنان از طبقات پایین اقتصادی، تحلیل رمان‌های مورد بررسی نشان می‌دهد که این گروه از زنان نیز حدود پذیرفته‌شده و تجربه‌هایی مشابه با زنان طبقه بالا در روابط بین جنسی با مردان دارند، با این تفاوت که تعداد زیادی از زنان طبقه پایین روابط بین جنسی را تجربه نکرده‌اند، اما زنان طبقه بالا تجربیات بیشتری از این دست دارند. در واقع فراوانی چنین روابطی در میان زنان این طبقه نسبت به طبقه بالای جامعه به‌طور قابل ملاحظه‌ای کمتر است.

- «به مرضیه نمی‌آمد که اهل این جور روابط [نامشروع] باشد. به نظر، متین و خانوم می‌آمد» (ص ۳۸، شیاطین سیاه، فرشتگان سفید، آدم‌های خاکستری).

هویت جنسی مردانه

با توجه به اینکه میزان حضور و نقش آفرینی مردان طبقه پایین هم مانند زنان طبقه پایین در رمان‌ها بسیار اندک است و در صورت وجود هم بیشتر نقش حاشیه‌ای دارند؛ اطلاعات زیادی از آنها در دست نیست و آنچه از مردان رمان‌های نودهشتیا مشاهده می‌شود بیشتر بر مبنای مردان طبقه بالا یا متوسط به بالای جامعه است. در واقع می‌توان گفت از آنجا که نگارش رمان‌های عامه‌پسند اینترنتی بیشتر حاصل تراوشات قلم جوانانی است که خود متعلق به طبقات بالا یا متوسط به بالای جامعه هستند، چنین استنباط می‌شود که واقعیت‌های طبقه‌ی خود و افراد ساکن در این طبقه بیشتر مورد توجه آنهاست. این همان مسأله‌ای که به صورت اتهام به کارگردانان فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی زده می‌شود مبنی بر این که این فیلم‌ها طوری ساخته شده‌اند که گویی ایران، فقط تهران است.

۱. ظاهر و پوشش

در رمان‌های مورد تحلیل، از نظر ظاهر و آرایش موی مردان طبقه بالای جامعه، به هنگام توصیف بر تطابق با مد روز و در عین حال جلف‌بودن بسیار تأکید می‌شود. واژه ملموس‌تری که برای توصیف به کار رفته مدل «شلوغ» یا «کمی شلوغ» است. جمله دیگری که به کرات در این رابطه استفاده می‌شود؛ عبارت‌هایی مانند «به شدت به خودش می‌رسد» و «معلومه کلی وقت صرف موهاش کرده» است. در مورد لباس نیز باید گفت که عموماً نحوه پوشش بسته به محیط به دودسته رسمی و غیررسمی تقسیم می‌شود: در محیط‌های رسمی، «کت و شلوار (گاه همراه کراوات)» و در محیط‌های غیررسمی بیشتر با عبارت‌هایی مانند «تی‌شرت جذب که بازوهاشو خوب نشون می‌داد، با یه شلوار جین» یا «کت تک اسپرت، تی‌شرت جذب و شلوار جین تیره». در اینجا بر خلاف الگوی پوشش در میان زنان، الگوی ابراز هویت مردان طبقه بالا شامل تلاش برای برجسته کردن اندام پوشیده شده خود نیست. چنین الگویی برای جلب نظر جنس مخالف، بیشتر در میان مردان طبقه متوسط به پایین جامعه متداول است.

به‌طور کلی با تحلیل رمان‌های نودهشتیا در توصیف این گروه می‌توان به ویژگی‌هایی همچون خوش چهره، خوش پوش و عموماً «مارک» پوش رسید.

اما در مورد مردان طبقه پایین جامعه، اشاره‌ی واضحی در مورد ظاهر این افراد نشده است.

مثلاً در رمان همسایه من در مورد محمد گفته شده:

«برخلاف مجد(مردی ثروتمند) که ... بوی ادکلنش همه جا را بر می‌داشت، محمد ... همیشه فقط بوی تمیزی می‌داد» (ص ۴۶ همسایه من).

۲. ارزش‌ها و نگرش‌های جنسی

به دلیل حاشیه‌ای بودن نقش مردان غیر ثروتمند، داده‌ی مناسب و قابل اطمینانی در دسترس نیست. اما دو نکته در این روابط وجود دارد:

۱. مردان طبقه پایین به چارچوب محدودتری برای روابط بین جنسیتی معتقدند.
۲. نکته دیگر اینکه تمایل به ازدواج در مردان طبقه پایین بسیار بیشتر از ثروتمندان است، گواه این مدعا در میان محتوای رمان‌های مورد بررسی این است که اغلب شخصیت‌های طبقات متوسط به پایین و پایین، یا ازدواج کرده‌اند یا تمایل به ازدواج دارند. برادر آرایی در «به نجابت عقاب»، محمد در «همسایه من»، کسرا در «دردم» و افشین در «عروسک جون» نمونه بارز چنین ارزش‌هایی در مردان این طبقه هستند. به جز این دو مورد، آنچه بیشتر در رمان‌های نودهشتیا نمود دارد از تجربه زندگی مردان طبقه بالا و متوسط به بالای جامعه است.

الف. از نظر حدود پذیرفته شده در رابطه بین جنسیتی در نگاه مردان، تعریف برخی حریم‌ها در روابط به این موضوع به این معنا نیست که فرد روابط بین جنسی با هر حدودی یا روابط نامشروع ندارد، بلکه منظور از این حریم‌ها و حدود، نظر نداشتن به زنانی متعهد یا متأهل است. این‌گونه است که از نظر شخصیت‌های مرد رمان‌های نودهشتیا، مرز بین «مرد» و «نامرد» مشخص می‌شود:

«اونا (دختران) خودشون می‌خوان. در ضمن من تا حالا با دختری نبودم که ... استغفر...» (ص ۷۰، رمان همسایه من).

بنابراین، در رمان‌های نودهشتیا، آنچه باعث خوردن پرچسب «خراب» بر یک مرد می‌شود رابطه‌ی نامشروع به خودی خود نیست. بلکه بسته به شریک رابطه‌ی جنسی، این پرچسب زده می‌شود. وجود عاطفه و احساس در رابطه، رابطه نداشتن با زنان خیابانی و همچنین آنچه که به اعم معنا، «نامردی» تلقی بشود، از خط قرمزهای چنین روابطی برای مردان رمان‌های نودهشتیا است:

«من مرد خرابی نیستم که دنبال زن هرجایی باشم ... من اگه دنبال یکی واسه جسمم باشم، تو خونه‌ام راهش نمیدم. خونه حرمت داره. رابطه بدون عشق تو خونم انجام نمیدم. جالب اینجاست که درک حرفام واسه دخترا خیلی سخت شده» (رمان شاه شطرنج ص ۹۴).

«نمیشد که این مدت که دارم مخ آرایلی رومیزنم با خواهرش هم دوست باشم. نامردی بود» (ص ۶۲، به نجابت مهتاب).

مردانِ رمان‌های مورد بررسی گاه قواعد خاصی را هم برای رابطه جنسی را جنس مخالف وضع می‌کنند و بر اساس آن نوع رابطه خود را موجه می‌دانند. آنها در بعضی موارد رابطه با یک دختر مجرد و در برخی موارد دیگر، رابطه بدون هدف ازدواج را درست نمی‌دانند. از نظر آنها هرچند رابطه دوستانه با زنان و دختران به‌طور کلی مشکلی ندارد، اما حد این رابطه بین این مردان متفاوت تعریف می‌شود و همان‌طور که اشاره شد، گاه محدودیت‌های خاصی را به صورت یک قانون شخصی در روابط خود اعمال می‌کنند:

«هیچوقت به یه دختر دست نزدم. چون نمی‌خواستم آینده‌اش خراب شه. اگر با کسی هم بودم به خواست خودشون بوده. ... این یه حقیقته که یه مرد ایرانی دوست داره همیشه اولین مرد زندگی زنش باشه» (ص ۸۴۸، شیاطین سیاه، فرشتگان سفید، آدم‌های خاکستری، نسخه JAR).

«من و آسانا رابطه‌ای جز یک دوستی ساده نداشتیم ... دوست نداشتیم با کسی که معلوم نیست زنم میشه یا نه رابطه‌ی بازتری رو شروع کنم» (ص ۱۲۰، به نجابت مهتاب).

در عین حال ارزیابی خود این مردان از واقعیت موجود در مورد مردان جامعه شامل یک نوع تنوع طلبی، هوس بازی و هدف رابطه جنسی از یک رابطه دوستی با دختران و زنان می‌شود. گویی قواعد و قوانین شخصی و حدودی که در بالا از آن یاد شد، شامل گروهی از مردان می‌شود که سعی می‌کنند همزمان با برقراری رابطه دوستی با زنان و دختران، برخی ملاحظات اخلاقی را هم در نظر بگیرند و رعایت کنند. در سایر موارد، مردان رمان‌های نودهشتیا، چندان تقیدی به این چارچوب‌های حداقلی ندارند:

«... من توی تمام مدتی که انگلستان بودم، یه دوست دختر داشتم و با تعدادی دختر، دوست بودم. دوست دخترم هم‌خونه من بود. مثل یه همسر و تا مدتی که زیر یک سقف بودیم به هم وفادار موندیم و دخترهای دیگه دوستم بودند. درست مثل پسرها باهاشون رفتار می‌کردم. ... اما اینجا چی؟ دختر باصد تا پسر دوسته و همه رو می‌پپچونه یا پسر با هزار تا دختر ارتباط داره و به بهانه ازدواج از همه شون سوء استفاده می‌کنه» (ص ۹۲، شاه شطرنج).

- همه پسر مثل من استننا هم ندارن. همه شون دخترا رو برای یه چیز می‌خوان. واضحه؟... اصولاً پسری که میره سراغ یه دختر و همه‌ی ناز و نوز و ادا و اطوارشو تحمل میکنه، واسه اینه که در نهایت به خواسته‌ش برسه.

هویت جنسی جوانان در رمان‌های عامه‌پسند ... ۱۳۳

- حرف‌هایی که از زبان احسان می‌شنیدم مطلب خاصی نبود که برایم تازگی داشته باشد. / به شنیدن / این قبیل مردها با این افکار خاص و این نگرش خاص به رابطه دوستی که تقریباً در جامعه در حال همه‌گیر شدن بود عادت داشتیم (ص ۷۵، رمان سقوط آزاد).

ب. ویژگی دیگر هویت جنسی مردانه در این رمان‌ها، توجیه نوع رابطه بین جنسیتی است. آنها رضایت خود فرد را برای اینکه از برقراری چنین رابطه‌ای با یک دختر احساس گناه نکنند کافی می‌دانند. علاوه بر این، احساس یک نوع لذت و منفعت دو جانبه از چنین رابطه‌ای نیز به نوبه خود می‌تواند مردان رمان‌های نودهشتیا را در موجه ساختن روابط خود با دختران مختلف یاری کند. در حالی که کاهش گرایش به ازدواج در هر دو گروه مردان و زنان این رمان‌ها نمود بارزی دارد، تلاش برای برقراری روابطی که به معنای هرچه تمام‌تر آن به یک رابطه‌ی «زن و شوهری» نزدیک و از امتیازات آن - بدون محدودیت‌هایش - برخوردار باشد، برای هر دو گروه، ارجحیت می‌یابد.

«حبیبون کجا بوده؟ مگه قراره به زور باشه؟ دخترا هم اون قدر عاقل شدن که میفهمن ما پسررا حتی اگه وعده ازدواج بدیم دروغه. میدونن دنبال چی هستیم و میدونن وقتی بهش برسیم هرکی می‌ره پی خودش. بنابراین هیچ اغفال و نامردی و دروغی هم در کار نیست. به همون اندازه که ما کیف میکنیم اونا هم لذت می‌برن. این کجاش غلط اضافه؟ (ص ۳۵، رمان اسطوره).

«بدش نمی‌آمد کمی جلوتر بروند خجالتی هم در کار نبود. ویهان مقید به بعضی اصول سال‌های قبل هم نبود. نه که نباشد اما در این سن و با چند سال تنهایی نیاز داشت کمی به خودش فکر کند (طلوع از مغرب).

مردان رمان‌های نودهشتیا گاهی حتی پا فراتر نهاده و روابط جنسیتی قبل از ازدواج را طبیعی و اقتضای شرایط خود می‌دانند (شرایطی که در آن وضعیت تأهل، سن و موقعیت اجتماعی در آن می‌گنجد):

«من مرد بودم ... جوون بودم» (ص ۳۴۷ همسایه من).

«من دیگه حتی نمی‌تونم مثل یک مرد عادی و سالم دختر بازی کنم» (ص ۱۲۹ اشک‌های یک دلک).

«تا وقتی تو خونه من بودی که مشکلی نداشتیم. حالا رفتی. منم دارم مثل هر مرد دیگه‌ای زندگی

میکنم» / توجیه ویهان برای شمال رفتش به همراه دوست دخترش / (ص ۱۳۵، طلوع از مغرب).

در گذشته با شنیدن واژه غیرت در مورد مردان، بلافاصله افرادی در ذهن تداعی می‌شدند که علاوه بر اینکه به محافظت و حساسیت‌های زیاد بر ناموس خویش معتقدند، نوامیس جامعه را نیز

چون نوامیس خود می‌دانند و همان میزان تعصب را بر نوامیس جامعه نیز به دوش مسئولیت خود می‌کشند. در رمان‌های عامه‌پسند نودهشتیا در مورد این واژه تعابیر و برداشت‌های بسیار متفاوتی دیده می‌شود. در این چارچوب‌های ذهنی، غیرت مانعی برای داشتن روابط نامشروع نیست، بلکه محدود می‌شود به مراقبت، محافظت و حساسیت بر افرادی که جزو متعلقات فرد محسوب می‌شود.

«برو به اون بابای بی‌غیرتت بگو دخترت به چند میلیون پول می‌فرشی بدبخت؟» (ص ۴۸، همسایه من).

این جملات توسط شروین، شخصیتی بیان می‌شود که طرف دیگر این «فروش» است. ج. از نظر نگرش به ازدواج در میان مردان هم در بساری از رمان‌ها واژه ازدواج همنشین واژه‌های «مسئولیت، تعهد» و «محدودیت» است که نشانه تنوع طلبی و تمایل کم مردان - به ویژه مردان طبقه بالای جامعه - به ازدواج است:

«هر روز مامان به نفر و پیدا میکرد بریم خواستگاری. اما من زرنگتر از این حرفا بودم. عمراً که زیر بار مسئولیت زن و بچه می‌رفتم! من به پزشک موفق بودم و به زندگی خوب داشتم. کلی دوست دختر جور واجور جون میدادن برام. هرکاری دلم می‌خواد میکنم و هر جایی که دلم بخواد می‌رم. چرا باید خودمو محدود کنم؟ اونم محدود به زندگی، فقط با به زن؟ (ص ۶ دختری که من باشم).

مانند زنان طبقه بالا، مردان این طبقه نیز در زمانی که سخن از محرمیت شرعی به میان می‌آید اصالت را با «محرمیت قلبی» یا «محرمیت دلی» می‌دانند و از نظر آنها محرمیت شرعی تنها چند جمله عربی یا عقد محضری یا «سند محضری» است و نه بیش از آن:

- کیانوش ما به هم محرم نیستیم.

- هستیم عزیزم، هستیم. هنوزم تو محرم‌ترینمی. اگر محرمت نبودم این همه وقت منتظرم نمی‌شدی. محرمتم عزیزم. بیشتر از تأیید هر خطبه و سند و مدرکی بهت محرمم (ص ۴۷۷، روزهای رنگی).

در مثالی دیگر گفت‌وگویی انجام می‌شود که به خوبی گویای این نگاه طبقه بالای جامعه در رمان‌های مورد بررسی است:

سایه (در حین مستی): بگو دیگه مگه نشنیدی که می‌گن النکاح سنتی ... (برای به جا آوردن ظاهری آداب محرومیت شرعی)

او هم زمزمه میکند: بسه سایه، حالت خوش نیست.

- بگو دیگه مگه نشنیدی میگن اگه این کار و نکنی، قلیس مینی؟
بازوانم رامیگیرد و بین تن‌هایمان فاصله می‌اندازد ... مقاومت می‌کنم؛ بگو، من به اجازه بزرگترهم
نیاز ندارم. چون بزرگتری ندارم و خودم هستم و خودم...
با خشم تکانه می‌دهد: من به این کلاه شرعاً اعتقاد ندارم.
- منم اعتقادی ندارم، نه به کلاهش، نه به شرعش.
- پس اگه می‌خوای این غلط را بکنی دیگه چرا خودتو گول میزنی؟
- خودمو گول نمی‌زنم، خدا رو گول میزنم.
« ... قلبم گریه می‌کند، لبم می‌خندد ... او می‌خواند و من برای دوازده ساعت قیلت می‌گویم» (ص ۲۹،
شاه شطرنج).

در کل در مورد صیغه باید گفت که در بیان عموم شخصیت‌های موجود در رمان‌های عامه‌پسند
نودهشتیا، کار پذیرفته‌شده‌ای نیست و باعنوان کلاه شرعی از آن یاد می‌شود، یا در صورت پذیرفته شدن
توأم با معانی منفی است. این در حالی است که رفتارهای جنسی بدون ازدواج که کاملاً در مغایرت با
ارزش‌های دینی جامعه است، دارای چنین معنای منفی‌ای نیست.
همچنین نگاه مردان به زنان و دختران جامعه‌ی خود نگاهی مملو از بی‌اعتمادی است و
دختران را عموماً موجوداتی سست عنصر، فاسد، بی‌وفا و به اصطلاح عامیانه بی‌وجود، در رمان‌ها
«خراب» و ... می‌دانند؛

«میگی پاکی و نجابت؟! این مزخرفات رو به رخ من نکش. همتون عین هم دیگه این. اونا از
تو بدتر، تو از اونا صد پله بدتر (ص ۶۴، گناهکار).
البته آنها در این میان استثناهایی هم قایل می‌شوند:

«در عین شیطنت حجب و حیای قشنگی هم دارن، حد و حدود می‌شناسن، نجابت و شرافت
سرشون میشه از اون دسته گوهرایی که خیلی نایاب شده» (ص ۶۳، اسطوره از زبان دیاکو).
در عین حال، در مثال بالا از نجابت و شرافت دختران به‌عنوان گوهر - تقریباً - نایاب در
این زمانه یاد شده است.
«جامعه‌ای که نهایت دغدغه اکثر دخترانش طرح جدید لاک و مد لباسه...» (ص ۵۵، شاه
شطرنج).

«به دلیل آبروی تنها دختر بی‌شیل و پیله صادقی که درکل زندگی دیده بودم...» (ص ۱۲۸،
اسطوره از زبان دانیار).

«تازه می فهمم کار تو درست بوده، دختر جماعت رو چه به محبت؟ بی جنبه ترین و کم ظرفیت ترین موجودات روی زمین. بایه گوشه اسکناس و یه ماشین مدل بالاتر قالت میدانم و میرن. دیر یا زود داره، ولی سوخت و سوز نداره» (ص ۲۸۰ رمان اسطوره از زبان سعید).

۳. رفتار

رفتارهای ویژه‌ای که از مردان طبقه بالای جامعه در رمان‌های مورد تحلیل نشان داده می‌شود، به‌طور خلاصه در چند بند زیر قابل ارائه است:

سیگار کشیدن پی در پی در بحران‌های روحی و عصبانیت به‌منظور تمدد اعصاب از ویژگی‌های رفتاری در ابراز هویت مردان طبقه بالا در رمان‌های نودهشتیا است.

«سیگارهایی که لحظه‌ای میان دو انگشتش را خالی نمی‌گذاشتند» (ص ۷ اسطوره).

در مقابل مردان طبقه بالا، تعداد اندکی از مردان طبقه متوسط و پایین سیگار می‌کشند.

در رمان‌های مورد بررسی افراد متشخص و مقبول جامعه و خانواده افرادی نیستند که از مشروبات الکلی استفاده نمی‌کنند. بلکه کسانی هستند که تا حدی مصرف می‌کنند که مست نشوند (حدی که از فردی به فرد دیگر متفاوت است). برای توضیح این «حد»، عبارت «تا حدی که گرم بشم» از سوی قهرمانان رمان‌ها به کار رفته است. در واقع این رفتار خوراکی، یک امر معمول همراه با چارچوب‌ها و آداب خودش تعریف می‌شود که خارج نشدن از حالت هوشیاری، «حد» آن تعریف شده است:

«گفتم بهت من حد خودمو می دونم» (ص ۱۷۳ رمان همسایه من). این جمله را امیرحسین

شخصیت رمان شاه شطرنج در جواب به شکایت از زیاد نوشیدنش بیان می‌کند.

«من عادت دارم. حد خودمو هم می‌دونم» (ص ۹۰، شاه شطرنج).

همچنین در اغلب قریب به اتفاق رمان‌های نودهشتیا، قهرمان داستان (و همچنین تعداد قابل توجهی از تمام مردان طبقه بالا) روابط نامشروع را در حال یا در گذشته تجربه کرده‌اند. در مقابل، حدود روابط بین جنسیتی مردان طبقه پایین (غیر ثروتمند) در عمل بسته‌تر از ثروتمندان است:

محمد (طبقه پایین) در قیاس با مجد (رمان همسایه من).

کسرا (طبقه پایین) در قیاس با فرزاد (رمان دردم).

فرزین (طبقه پایین) در قیاس با شهاب (رمان راننده سرویس).

هویت جنسی جوانان در رمان‌های عامه‌پسند ... ۱۳۷

در قیاس با مردان طبقه بالا، تعداد کمتری از مردان طبقه پایین روابط نامشروع را تجربه می‌کنند. اما به‌طور کلی این نوع روابط جنسی خارج از چارچوب خانواده، در رمان‌های نودهشتیا عموماً با واژه «شیطنت» مترادف و همنشین می‌شود؛

«ممکن بود که محمد گاهی شیطنت‌هایی بکند ولی او [مرضیه] خیلی عاشق و وفادار به محمد بود» (ص ۳۴، شیاطین سیاه، فرشتگان سفید، آدم‌های خاکستری).

در این رمان‌ها تمام پسران دانشجو از طبقه بالا - مگر تعداد اندکی از شخصیت‌ها روابط بین جنسیتی را تجربه می‌کنند؛ روابطی که برحسب نوع عقاید، حدود متفاوتی دارند. در عین حال، در برخی رمان‌ها نداشتن روابط نامشروع و بسنده کردن به ملاحظه، وجه تمایز مثبت قهرمان با اکثریت یا همه ذکور است:

- تارا: من نمی‌فهمم مشکلک با هم بودن ما دوتااست...؟ چرا؟

- ویهان مشکل چیه؟ بده که آدمم. مگه نگفتم که آدم از دواج نیستم. گفتیم یا نه؟ خوب پس بفهم که من با کسی رابطه‌ام رو شروع میکنم که بخوام باهش از دواج کنم ... میخوای فک کنی اُمُل و فیناتیک هستیم؟ مهم نیست. هر کس برای خودش معیار هایی داره (ص ۲۲، طلوع از مغرب).

همچنین در میان طبقه بالا پدران بسیاری هستند که دختران خود را به مقاصد اقتصادی و پیروزی در معامله‌های بزرگ خود می‌فروشند:

- میری یا پرتت کنم بیرون؟ ... برو به اون بابای بی‌غیرتت بگو دخترتو به چند میلیون پول می‌فروشی بدبخت؟ (ص ۴۱، همسایه من).

مورد مشابه مثال بالا در رمان اسطوره هم دیده می‌شود:

- من صدتا مثل تو و پدرت رو لب تشنه از چشمه بر می‌گردونم. کاش پدرت اون قدر غیرت داشت که از تو واسه رسیدن به اهدافش استفاده نمی‌کرد (ص ۴۷۰، همسایه من).

تعداد قابل توجهی از پدران طبقه پایین در رمان‌های مورد بررسی هم، دختران خود را به قیمتی کم یا زیاد، به عقد مردی با ویژگی‌های رفتاری نامناسب در می‌آورند (یا تمایل به این کار دارند). از این‌رو، ماهیت رفتار این گروه بیشتر در پیوند با نیازهای معیشتی است، تا یک نوع بی‌اعتقادی به باورهای سنتی و دینی برای رسیدن به اهداف اقتصادی بزرگ.

ویژگی دیگر مردان مجرد در رمان‌های نودهشتیا تنها زندگی کردن است؛

«از بیست و پنج سالگی ازشون جدا شدم و برای خودم خونه گرفتم» (از زبان شخصیت پسر

داستان در: ص ۴۳، دختری که من باشم).

این مورد مثالی از تنها زندگی کردن است که پسر یک خانواده در پیش گرفته است، حتی اگر شده روبه‌روی خانه پدری:

«سوئیتی هم که ما از این آقا خریداری کردیم متعلق به همین پسرش بود و با رفتن خانوم فرخی، پسرش به آپارتمان ۴۰۰ متری که درست واحد روبروی سوئیت من بود، نقل مکان کرد» (ص ۹، رمان همسایه من).

در بیشتر رمان‌های مورد بررسی، در مقابل پسران طبقه پایین که روابط حسنه‌ای با پدر و مادر خود دارند و احترام متقابلی میانشان وجود دارد (مانند شخصیت افشین در «عروسک جون» و شخصیت فرزین در «راننده سرویس»)، بین پسران طبقه بالا با پدر و مادرشان، روابط نزدیک و دوستی صمیمانه و خودمانی برجسته‌تر است. در مقابل از نظر میزان اختلاف عقیده، به وضوح مشاهده می‌شود که به میزانی که اختلاف عقیده و روش زندگی میان والدین و پسرانشان بالا می‌رود، روابط مبتنی بر احترام هم کاهش می‌یابد:

«مامان من از این عرضه‌ها نداشتم. فقط یاد گرفته بود خانومی کنه» (از قول شخصیت مرد داستان) «ص ۲۰ دختری که من باشم».

به عبارتی احترامی که این مردان قائل می‌شوند نه برای جایگاه «والدین» بلکه برای نوع رابطه با پدر و مادر خود است. بنابراین، بسته به ارزیابی خوب یا بد از پدر و مادر، میزان احترامی هم که برای آنها قایل‌اند، تغییر می‌کند.

در نهایت این آخرین ویژگی مهم مردان طبقه بالا در رمان‌های مورد بررسی، بی‌اعتمادی به دیگران است. آنها در عین حال که سعی می‌کنند فرد قابل اعتمادی باشند، به سختی به دیگران اعتماد می‌کنند:

«امیر حسین: اعتماد صد در صد رو حماقت می‌دونم» (ص ۹۴، شاه شطرنج).

ویژگی بازنمایی شده در رمان‌های مورد بررسی، تأییدی بر فرسایش سرمایه اجتماعی از جمله در شاخص اعتماد اجتماعی جامعه ایرانی بوده که در پژوهش‌های انجام شده در ایران به دست آمده است (غفاری، ۱۳۹۴).

بحث و نتیجه‌گیری

آنچه در واقعیت عینی در جامعه امروز ایران قابل مشاهده است، بیشتر در لابه‌لای یافته‌های پژوهش‌های پیمایشی و اندک پژوهش‌های کیفی تجربی به دست می‌آید. دلالت‌های برآمده از

این پژوهش‌ها، نشان از جامعه‌ای سنتی با ساختاری دینی، اما در حال تحول دارد. تحولی که با تأثیر اساسی از مصرف فزاینده رسانه‌های مدرن - به ویژه با تحول اساسی در فضای مجازی و گسترش شبکه‌های اجتماعی - تمامی سپهر حیات اجتماعی ایرانیان را در می‌نوردد. بر این اساس، بخشی از تحولات فرهنگ در لایه‌های پنهان جامعه در جریان است که برای بررسی و واکاوی آن بهترین روش، مطالعه محتوای فرهنگی تولید شده به‌ویژه در عرصه‌های کنترل نشده و فضاهای غیر رسمی است. رمان‌های عامه‌پسند اینترنتی یکی از همین دست تولیدات فرهنگی عامیانه است که حتی در میان پژوهش‌های غیر فارسی هم به ندرت مورد بررسی و کنکاش علمی قرار گرفته است. نحوه ابراز هویت جنسی در این رمان‌ها، نشان‌دهنده‌ی سطحی از مناسبات، ارزش‌ها و نگرش‌های بین جنسی در گروه خاصی از جوانان نسل جدید است که گاه در انبوه داده‌های تعمیم‌پذیر اما کم عمق پژوهش‌های پیمایشی گم می‌شوند و به چشم نمی‌آیند. هرچند پژوهش‌های گوناگون ارزش‌ها و نگرش‌های فرهنگی (مانند محسنی تبریزی، ۱۳۷۵؛ رضایی، ۱۳۸۰؛ گودرزی، ۱۳۸۲ و شورای فرهنگ عمومی، ۱۳۹۰، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲)، دینداری و دین‌ورزی (مانند سراج‌زاده و پویافر، ۱۳۹۱، کاظمی و فرجی، ۱۳۸۹، طالبان، ۱۳۸۸، خدایاری فرد، ۱۳۸۹) و هویت (حاجیانی، ۱۳۸۸) کلیاتی از آنچه در حال رخ دادن است را نشان می‌دهد، اما کیفیت و ابعاد و جزئیات بیشتر این سطح از تغییرات اجتماعی که به‌ویژه در نسل جدید «انقلاب ندیده جنگ ندیده» قابل مشاهده است، در گرو واکاوی بیشتر محتوای تولیدی در فضای اینترنت، به‌ویژه با استفاده از رهیافت‌های کیفی در پژوهش است. محتوایی که حالا دیگر نه تنها در سایتهای اینترنتی مانند نودهشتیا بلکه در کانالهای تلگرامی (به عنوان یک شبکه اجتماعی عمومیت‌یافته در ایران) هم به تعداد زیاد در حال تولید، انتشار و خوانش همدلانه از سوی مخاطبان خود هستند. سایت اینترنتی «رمان فوریو»^۱ یکی از این سایت‌ها است که همزمان در کانال تلگرامی خود هم به انتشار رمان‌های عامه‌پسند اینترنتی از جمله به قلم کاربران می‌پردازد.

آنچه در این مطالعه بررسی شد، نشان داد که در رمان‌های عامه‌پسند نودهشتیا، زنان و مردان، دختران و پسران در حال فراغت نسبی از ارزش‌های سنتی هستند. آنها بدون تقید خاص به ارزش‌های پیشین جامعه، الگویی دیگر برای روابط بین جنسی انتخاب کرده‌اند. در این میان اگر هم حدودی و محدودیتی پذیرفته می‌شود از جنبه اخلاقی و عرفی است که البته آمیخته با ته‌نشست‌های ناخودآگاه/ خودآگاه دینی است. توجه نسبی به ازدواج و تشکیل خانواده که با اندک

1. www.roman4u.ir

تفاوتی هم در میان دختران و هم در میان پسران «نودهشتیا» مشاهده می‌شود، بخشی از نمود ارزش‌های سنتی فرهنگی و دینی در جامعه است. در عین حال، رعایت پوشش و آرایش در میان دختران و پسران این رمان‌ها چندان منطبق با چارچوب‌های سنتی جامعه نیست. تنوع کاملی از انواع پوشش‌ها که به شدت وابسته به موقعیت فضا - زمان قرار دارد، وجه بارز دیگر ابراز هویت مردانه و زنانه در رمان‌های نودهشتیا است. این تنوع گستره متفاوتی از پوشش روسری در فضاهای رسمی و عمومی تا حضور بدون پوشش روسری همراه با آرایش در فضاهای کاری خصوصی و لباس‌های کمتر همراه با آرایش غلیظ در مهمانی‌های مختلط را شامل می‌شود؛ امری که پژوهش تجربی پیشین نیز مشاهده شده است (حمیدی و فرجی، ۱۳۸۷).

بر اساس آنچه که تفسیر محتوای رمان‌های مورد بررسی نشان داد؛ روابط دوستی با جنس مخالف بدون آنکه تفاوت اساسی با دوستی‌های هم‌نوعان داشته باشد، در میان جامعه رمان‌های نودهشتیا، امری کاملاً معمولی است. گذر از حد رابطه دوستی ساده و تن دادن، انتخاب کردن، تحمیل کردن یا تحمل کردن رابطه جنسی خارج از چارچوب خانواده امری است که کمابیش در تمامی گروه‌بندی‌های جوانان این رمان‌ها قابل مشاهده است. آنها تلاش می‌کنند مانند همسالان خود، خوش تیپ، خوش پوش، با آرایش مناسب و با پوششی دلخواه «دلبر» یا «دلبری» برای خود انتخاب کنند. در میان جوانان رمان‌های نودهشتیا، «ست کردن»، «گاهی الکل»، «گاهی سیگار» و معمولاً «تماس فیزیکی و جسمی»، الگویی رایج در ابراز هویت رفتاری نسبت به جنس مخالف تلقی می‌شود. تحلیل محتوای رمان‌های مورد بررسی نشان داد که جوانان چنین جامعه‌ای صرف‌نظر از خاستگاه طبقاتی خود، کمابیش الگوی یکسانی از روابط جنسی را تجربه کرده‌اند - که البته در تضاد با چارچوب‌های ارزشی دینی سنتی است. البته در این میان جوانان طبقات پایین جامعه اندکی بیشتر مقید به ارزش‌های خانوادگی، به ازدواج و به حفظ روابط در چارچوب خانواده مقیدند. بازنمایی هویت در این رمان‌ها نشان می‌دهد که جوانان امروز جامعه از هر گروه و طبقه‌ای که باشند هویت جنسی متفاوتی در مقایسه با نسل قبل یافته‌اند و در نتیجه به شیوه‌ای متفاوت ابراز هویت می‌کنند. آنها بر اساس فهم خود از زندگی، نگرش خود به جنس مخالف، حدود و چارچوب‌های دینی و نقش و جایگاه خود و خانواده، به تفسیر موقعیت‌های زندگی روزمره و ابراز خود می‌پردازند. در نتیجه، از دین و چارچوب‌های فرهنگی مستقر موجود جامعه، آنهایی را که می‌پسندند بر می‌گزینند و بقیه را تنها به رسم عادت یا قوانین رعایت

می‌کنند (مانند عدم تقید به پوشش سر و رعایت اجباری آن در انظار عمومی که در بخش یافته‌ها اشاره شد). بنابراین، تفاوت مشاهده‌شده بین الگوی ابراز هویت جنسی و هویت ظاهری (هویت تجسّدی)، می‌تواند «ابراز هویت‌های متفاوت» در فضاهای گوناگون را هم شامل شود. این تفاوت در نحوه ابراز هویت جنسی (پوشش، آرایش و مدیریت بدن) در فضاهای مختلف که تابعی از فضا - زمان است، به اقتضای قوانین اجتماعی و پنداشت‌ها از انتظارات دیگران مشاهده می‌شود.

بخش‌هایی این جمع‌بندی مقایسه الگوی هویت جنسی زنانه و مردانه بازنمایی شده در این رمان‌ها است. در حالی که مردان و زنان رمان‌های نودهشتیا از بسیاری جهات همچون تقید کمتر به پوشش، تمایل به برقراری روابط آزادانه‌تر با جنس مخالف، عدم تقید به لزوم پوشش سر برای زنان و دختران، عادت‌هایی مثل سیگار کشیدن و مصرف الکل، تنها زندگی کردن، میل به تنوع گاه به گاه در روابط و شدت و شیوع این رفتارها کمابیش شبیه به هم هستند، اما تفاوت‌هایی هم بین آنها وجود دارد. برای نمونه، مردان بیشتر از زنان دچار سوء ظن و بی‌اعتمادی به محیط اجتماعی خود هستند. همچنین زنان و دختران، گرایش بیشتری به منتهی شدن روابط خود به ازدواج و زندگی مشترک در چارچوب‌های معمول جامعه دارند. علاوه بر این زنان این رمان‌ها با گذر از سنت‌های مردسالار جامعه موجود، سعی در برقراری یک نوع رابطه افقی با مردان دارند؛ رابطه‌ای که امکان آزادی عمل، تنوع و انتخابگری بیشتری را برای آنها فراهم آورده و البته به بهای پذیرفتن همین تنوع خواهی از سوی مردان بوده است.

نگاه به رمان‌های عامه‌پسند اینترنتی، نگاهی از زوایای متفاوت از جامعه‌ای است که با تمایز یافتگی ساختاری به اقتضای پیچیدگی تقسیم کار و مناسبات اجتماعی، کمابیش در مسیر دست شستن از سنت‌های گذشته قرار گرفته است، افراد این جامعه، از جمله جوانان آن، در گذار از سنت‌های پابرجای قدیمی، هنوز به مقصد جدید الهام بخشی برای بازسازی هویتی خود نرسیده‌اند. از این رو، آنها نیم‌رخ کمی از پدران سنتی دیندار خود و نیم‌رخ کمی - گاه برجسته‌تر - از فرهنگ و هویت غالب در جامعه نوین غربی به خود گرفته‌اند. تا مادامی که ساختارهای کلان و نهادهای اثرگذار این جامعه هنوز تکلیف خود را در میدان این بلاتکلیفی روشن نکرده و نسبت دین، سنت، مدرنیته و اقتضات این دنیایی را در آلیاژ هویت امروزی ایرانی انتخاب نکرده باشند، کنشگران این جامعه هم، برای پیشبرد امور خود، به اقتضای هر موقعیت زمانی - مکانی در زندگی روزمره، به انتخاب، ترکیب یا حذف عناصر دلخواه در منابع هویت‌سازی یادشده اقدام می‌کنند.

در این میان ضرورت جامعه‌ی ایرانی، سیاستگذاری‌ها و تدوین خطی مشی‌های واحد در کنار تعیین نهاد اصلی متولی فرهنگی در هریک از حوزه‌های مرتبط با هویت‌سازی در جامعه است؛ امری که در حال حاضر با تولی‌گری و تصدی‌گری موازی چندین نهاد با منابع قدرت متفاوت و مستقل در حوزه‌های فرهنگ، آموزش و رسانه، خود به خود منجر به چندگانگی یا حتی تضاد در تعاریف و تعبیر از هویت مطلوب، الگوی مناسب فرهنگی و روش‌های صحیح در مدیریت فرهنگی کشور شده است. سیاستگذاری و راهبری واحد در حوزه فرهنگ، می‌تواند در سطح خرد نیز منجر به شکل‌گیری ادراکات منسجم‌تر در هویت‌یابی، از جمله در میان جوانان شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

- تبریزی، منصوره (۱۳۹۳). تحلیل محتوای کیفی از منظر رویکردهای قیاسی و استقرایی، **فصلنامه علوم اجتماعی**، شماره ۶۴: ۱۳۸-۱۰۵.
- حاتمی، محمدرضا و سارویه مذهبی (۱۳۹۰). رسانه و نگرش زنان به هویت جنسیتی خود، **فصلنامه تحقیقات فرهنگی**، دوره چهارم، شماره ۲: ۲۰۹-۱۸۵.
- حاجیان، ابراهیم (۱۳۸۸). **جامعه‌شناسی هویت ایرانی**، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- حسینی، حسن و منصوره دشتی (۱۳۹۱). بازنمایی کلیشه‌های جنسیتی در رسانه: مطالعه ادبیات داستانی آل احمد، **مجله جهانی رسانه**، شماره ۱: ۶۴-۲۷.
- حقیقی نسب، منیژه و شهره هدایتی (۱۳۸۴). بررسی تصویرسازی نقش جنسیت در آگهی‌های بازرگانی سیمای جمهوری اسلامی ایران، **فصلنامه مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان**، شماره ۷: ۵۰-۳۳.
- حمیدی، نفیسه و مهدی فرجی (۱۳۸۷). سبک زندگی و پوشش زنان در تهران، **فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران**، شماره ۱: ۹۲-۶۵.
- راودراد، اعظم (۱۳۸۰). تغییرات نقش زن در جامعه و تلویزیون، **فصلنامه زن در توسعه و سیاست**، شماره ۱: ۱۵۶-۱۳۳.
- ساروخانی، باقر (۱۳۴۸). علوم اجتماعی مفهوم‌ها و مکتب‌ها: عقاید قالبی، **فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی**، شماره ۳: ۱۱۷-۱۱۱.
- سراج‌زاده، سیدحسین و محمدرضا پویافر (۱۳۹۱). مطالعه عرفی شدن در میان ایرانیان مسلمان: مقایسه بین نسلی در تهران بزرگ، **مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران**، شماره ۴: ۶۵-۸۸.
- سرای، حسن و محمدرضا پویافر (۱۳۹۰). پژوهش ابدانگتو در علوم اجتماعی؛ ارائه مدلی در منطق ترکیبی و تناوب تجربه و نظریه، **فصلنامه پژوهش‌نامه علوم اجتماعی**، شماره ۲: ۲۹-۷.
- سلطانی‌گرد فرامرزی، مهدی (۱۳۸۵). نمایش جنسیت در سینمای ایران، **فصلنامه زن در توسعه و سیاست**، شماره ۱ و ۲: ۹۲-۶۱.
- شورای فرهنگ عمومی کشور (۱۳۹۰). **پیمایش ملی شاخص‌های فرهنگ عمومی کشور** (داده‌های سال ۱۳۸۹).
- شورای فرهنگ عمومی کشور (۱۳۹۲). **پیمایش ملی شاخص‌های فرهنگ عمومی کشور** (داده‌های سال ۱۳۹۱).
- شورای فرهنگ عمومی کشور (۱۳۹۳). **پیمایش ملی شاخص‌های فرهنگ عمومی کشور** (داده‌های سال ۱۳۹۲).
- صادقی فسایی، سهیلا و شیوا کریمی (۱۳۸۴). کلیشه‌های جنسیتی سریال‌های تلویزیونی ایرانی، **فصلنامه زن در توسعه و سیاست**، شماره ۳: ۸۹-۵۹.
- عبدالعلی رضایی (۱۳۸۰). **ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (موج اول)**، «یافته‌های پیمایش در ۲۸ استان کشور»، دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۹۴). **طرح ملی سنجش سرمایه اجتماعی ایرانیان**، وزارت کشور.
- فرخ‌نیا، رحیم و آرش رضایور (۱۳۸۸). بازنمایی شهر از دیدگاه انسان‌شناختی در میدان ادبی ایران در آثار غلامحسین ساعدی در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰، **فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی**، شماره ۳۶: ۸۶-۵۷.
- فلیک، اووه (۱۳۸۷). **درآمدی بر تحقیق کیفی**، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نشر نی.
- کلاهی، محمدرضا، جان‌نثاری، عباس و امین بزرگیان (۱۳۸۸). **سنخ‌شناسی دینداری در وبلاگ‌های فارسی زبان**، **فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات**، شماره ۱۷: ۱۹۰-۱۵۵.

- گودرزی، محسن (۱۳۸۲). **ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (موج دوم)**. «یافته‌های پیمایش در ۲۸ استان کشور» دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- محسنی، منوچهر (۱۳۷۵). **بررسی نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی فرهنگی در ایران**، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت پژوهشی و آموزشی، اداره کل دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی.
- معینی‌فر، حشمت‌السادات (۱۳۸۸). بازنمایی کلیشه‌های جنسیتی در رسانه مطالعه موردی صفحه حوادث روزنامه همشهری، **فصلنامه تحقیقات فرهنگی**، شماره ۷: ۱۹۹-۱۶۷
- مقصودی، سوده (۱۳۸۳). بررسی نقش زن در داستان‌های کودکان، **فصلنامه زن در توسعه و سیاست**، شماره ۳: ۵۶-۴۱
- نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۹۱). بازنمایی «خدا» در بلاگفای فارسی (تحلیل «الهیات مردم پسند مجازی اینترنتی» در ایران)، **فصلنامه دین و ارتباطات**، شماره ۳: ۱۹۴-۱۵۷.

Casey, Neil [et, al] (2002), *Television Studies: The key Concepts*; London & New York: Routledge.

Meyers, Diana Tietjens(2002), *Gender in The Mirror: Cultural Imagery and Women's Agency*; USA: New York: Oxford Univesity Press.

Foroutan, Yaghoob(2012), *Gender representation in school textbooks in Iran: The place of languages*, *Current Sociologym*, 60(6) 771 -787

Grauerholz, Elizabeth & Bernica A. Pescosolido(1989), *Gender Representation in Chilren's Literature: 1900-1984*, *Gender and Society*, Vol. 3, No. 1, March 1989, 113-125

Bamman, David, Jacob Eisenstein & Tyler Schnoebelen(2014), *Gender identity and lexical variation in social media*, *Journal of Sociolinguistics*, Volume 18, Issue 2, April 2014, Pages 135-160

Ritzer, George(2007), *The Blackwell Encyclopedia of Sociology Online*, Blackwell, www.sociologyencyclopedia.com

<http://www.webopedia.com/TERM/U/UGC.html>